. احكام پسران

نويسنده : سيد مهدى آيت اللهى

تذکراین کتاب توسط مؤسسه فرهنگی - اسلامی شبکة الامامین الحسنین عليهما‌السلام بصورت الکترونیکی برای مخاطبین گرامی منتشر شده است.

لازم به ذکر است تصحیح اشتباهات تایپی احتمالی، روی این کتاب انجام گردیده است.

# سخنى با خواننده

بسم الله الرحمن الرحيم

نظر به اين كه مردان و زنان و پسران و دختران در بيشتر مسائل شرعى ، با هم مشتركند ولى در پاره اى از مسائل از هم جدا مى باشند، و هر گروه براى خود احكام ويژه اى دارد ما بر آن شديم كه براى هر گروه بطور جداگانه احكامى را تهيه نماييم و سعى بر آن داشتيم مسائلى را مطرح كنيم كه مورد اختلاف فقها و مراجع تقليد نباشد و هر كس از هر مجتهدى كه تقليد مى كند بتواند به مسائل عمل كند و گاهى كه ناچار به ذكر مساءله مورد اختلاف شده ايم در پاورقى آورده ايم .

در پايان بايد از برادر محترم و دانشمند، جناب آقاى فلاح زاده كه در تنظيم مسائل و مباحث كتاب ، همكارى نموده اند، تشكر نماييم .

با تقديم احترام - قم سيد مهدى آيت اللهى (دادور) ٥/٥/٨٠

# درس اول : شناخت احكام

ارزش انسان در اين است كه تلاش كند برنامه زندگى خود را بر اساس قوانين و مقررات اسلامى پايه گذارى نمايد اين مقرارت عبارتند از:

١ - مبانى اعتقادى كه شامل اصول دين است . اين نوع چون مربوط به اساس دين است بايد از روى دليل باشد، هر چند كه دليل ساده باشد. در اين صورت در مسائل اعتقادى و اصول دين ، جاى تقليد نيست .

٢ - احكام يا دستورات عملى كه مربوط به فروع دين است .اين نوع چون مربوط است به فروع دين و كارهايى كه انسان بايد انجام دهد مربوط مى شود به احكام و دستورات دين كه از طريق تقليد و پيروى از مجتهد و كارشناس متخصص ‍ صورت مى گيرد.

٣ - اخلاق كه مربوط است به پرورش روح و سالم سازى روان و ايجاد صفات پسنديده در انسان .

مسائل اخلاقى گاهى بصورت اخلاق عملى و سيره و زندگى امامان و بزرگان مطرح مى شود و گاهى به صورت اخلاق نظرى است كه از طريق آشنايى به احاديث و روايات بدست مى آيد.

بايد توجه داشت كه احكام اسلامى به دو دسته تقسيم مى شود:

١- تكليفى :

احكامى است كه وظيفه انسان را نسبت به رفتار خود مشخص مى كند مثل اينكه عملى واجب يا حرام يا مستحب يا مباح و يا مكروه است .

٢- وضعى :

حكمى است كه شرع غير از آن پنج قسم در مورد عملى كه انسان انجام داده و يا وضعى كه پيش آمده ، آورده باشد.

واجب - كارى است كه انجام آن لازم و ترك آن كيفر الهى دارد مثل نماز و روزه

حرام - كارى است كه ترك آن لازم و انجام آن كيفر دارد مانند بد گويى و دروغ

مستحب - كارى است كه انجام آن داراى ثواب است و ترك آن كيفرى ندارد مثل نمازهاى مستحبى .

مكروه - كارى است كه ترك آن خوب و ثواب دارد و انجام آن كيفرى به دنبال ندارد مثل خواندن نماز مستحبى در حال خستگى .

مباح - كارى كه انجام آن مساوى است نه داراى كيفرى است و نه ثواب و اجرى دارد كه بسيارى از كارهاى روزمره انسان مثل آب آشاميدن - غذا خوردن از اين نوع است .

انسان براى بدست آوردن احكام دينى مى تواند يكى از اين سه راه را انتخاب كند:

١ - اجتهاد ٢ - احتياط ٣ - تقليد

اينك به توضيح هر يك مى پردازيم :

## ١ - اجتهاد:

اجتهاد در لغت به معنى سعى و تلاش و در اصطلاح فقهى عبارت از بدست آوردن احكام از قرآن - سنت - عقل و اجماع است . سنت عبارت از مجموعه گفتار معصومين و رفتار آنان و تقرير و امضاى ايشان و اجماع همان اتفاق فقهاست بر حكمى از احكام دينى .

## ٢ - احتياط:

عبارت است از عمل كردن به احكام ، به نحوى كه انسان يقين كند به وظيفه اش عمل كرده است در اينصورت عمل به احتياط براى كسانى است كه موارد احتياط را بشناسند و اين خود، كار دشوارى است .

## ٣ - تقليد:

تقليد عبارت است از عمل شخص مكلف به دستورات مجتهد جامع الشرايط، بنابراين بر هر شخص مكلفى كه مجتهد نيست و طريق احتياط را نمى شناسد و يا مى شناسد ولى نمى خواهد عمل كند، لازم است بخاطر صحيح بودن عبادتش ، به يكى از مجتهدين جامع الشرايط رجوع نموده و از او تقليد نمايد.

مى دانيم كه تقليد يك مساءله فطرى است و چيزى نيست كه اسلام از خود براى ما آورده باشد بلكه هر كسى به حكم فطرت خداداد خويش ، در مسائلى كه نمى داند و يا نياز جسمى و يا روانى او مى طلبد به متخصص فن مراجعه مى كند تا مشكل او حل شود در اين صورت بيمار به پزشك ، شاگرد به معلم و جاهل به مسائل شرعى ، به متخصص اين فن كه مجتهد جامع الشرايط است مراجعه مى نمايد.

تقليد بر دو نوع است :

## ١ - تقليد كوركورانه :

عبارت از كارى است كه انسان بدون آگاهى و توجه به اين كه آيا اين تقليد برايش سودمند است يا زيان آور، از ديگران الگو بگيرد و رفتار و گفتار ديگران را براى خود سرمشق قرار دهد.

## ٢ - تقليد آگاهانه :

عبارت از اين است كه انسان در مسائلى كه آگاهى ندارد و نمى فهمد، به متخصص فن مراجعه مى كند و هر دستورى را كه او صادر كند انجام مى دهد و يكى از اين موارد تقليد، پيروى مردم از مجتهد جامع الشرايط است .

تعدد مراجع تقليد چرا؟

بعضى ها مى پرسند كه ما چون قرآن و مذهب و پيامبرمان يكى است بايد مرجع تقليدمان هم يكى باشد چرا بايد در يك زمان چند مجتهد وجود داشته باشند و در زمانى كه همه آنها در يك سطح علمى هستند شخص مختار است از هر كدام كه مى خواهد تقليد كند.

براى پاسخ بايد توجه داشت كه مكتب تشيع بر خلاف ساير فرق اسلامى براى علم ارزش قائل است و مى گويد هر كسى كه تحصيل دينى كند و به مرحله استنباط و استخراج احكام شرعى برسد خود مجتهد است و نبايد از ديگرى تقليد كند و ديگران مى توانند از او تقليد كنند. حال اگر از ميان ده نفر مجتهد جامع الشرايط متساوى ، يكى را انتخاب كنيم و نه نفر ديگر را عقب بزنيم علم را محكوم كرده ايم ، و اين كار براى مكتبى كه خود را مترقى مى داند درست نيست پس وجود تعدد مراجع و مقلدين ، خود شاهد زنده بر بها دادن به علم و دانش است در حالى كه در ساير فرق اسلامى مانند اهل سنت هر فرقه و گروهى بايد از انديشه هاى فقهى رئيس و مؤ سس آن پيروى كند.

## شرايط مرجع تقليد:

شخصى كه انسان او را بعنوان مرجع تقليد برمى گزيند بايد داراى شرائط زير باشد:

١ - عادل باشد، يعنى واجبات را انجام دهد و از گناهان دورى جويد.

٢ - زنده باشد، بنابر اين از مجتهد مرده نمى شود تقليد كرد ولى اگر در زمان حيات مجتهدى از او تقليد كرده وقتى كه از دنيا رفت مى تواند همچنان بر تقليد او باقى ماند.

٣ - مرد باشد.

٤ - بالغ باشد.

٥ - شيعه دوازده امامى باشد.

٦ - حلال زاده باشد.

٧ - بعضى از فقهاء تقليد اعلم را بعنوان فتوا و بعضى را بصورت احتياط واجب ، بيان مى كنند.البته تشخيص اعلم حتى ميان اهل و دانش بسيار مشكل است و ممكن است يك مجتهد در قسمتى از مسائل فقهى مثل نماز مثلا تبحر و تسلط بيشترى داشته باشد ولى مجتهد ديگر، در مبحث ديگرى مثل طهارت و پاكيزگى تسلطش بيشتر باشد در اين صورت اگر اعلميت يك مجتهد از راه شناخت خود انسان يا توسط شهادت دو نفر عالم عادل يا از راه تاءييد گروهى از عالمان دين ، كه توان تشخيص اعلميت را دارند، به دست بيايد بايد همگى او را بعنوان مرجعيت عامه انتخاب كنند حتى اگر احتمال اعلميت او را بدهند مقدم است .

## پاسخ به چند سؤ ال :

س ١ - از چه راهى مى توان فتواى مجتهد را بدست آورد؟

ج - فتواى مجتهد را از راههاى ذيل مى توان بدست آورد:

١ - انسان از خود مجتهد، مساءله را بشنود.

٢ - از دو نفر عادل بشنود.

٣- از كسى كه مورد اعتماد و اطمينان است بشنود.

٤ - از رساله خود مجتهد فتوى را به دست بياورد.

س ٢ - آيا از مجتهدى كه از دنيا رفته مى توان تقليد كرد؟

ج - تقليد ابتدائى كه انسان مى خواهد تازه تقليد كند خير ولى اگر مدتى از مجتهدى تقليد كرده و به مسائل او عمل نموده و بعد از دنيا رفته مى توان با فتواى مجتهد جديد بر تقليد ميت باقى ماند البته در صورتى كه مجتهد جديد بقاء بر تقليد ميت را جايز بداند و چنانچه به مسائل جديدى برخورد كند كه در رساله مجتهد قبلى نبوده بايد به فتواى مجتهد جديد منتخب خود، عمل نمايد.

س ٣ - نظر مجتهد بر چند نوع است ؟

ج - مجتهد به چند صورت ممكن است نظر بدهد:

١ - حكم كند فردا اول شوال و روز عيد فطر است . كه نوعا در اختيار مجتهد حاكم و ولى فقيه است .

٢ - فتوا دهد كارى واجب يا حرام يا مستحب يا مكروه يا مباح است مثلا فتوا دهد در وقتى كه انسان نماز واجب بعهده دارد نمى تواند روزه مستحبى بگيرد.

٣ - نظريه خود را به صورت احتياط واجب بيان كند مثلا بگويد احتياط واجب است كه تسبيحات اربعه را سه مرتبه بگويد كه در اين صورت مقلد يا به همان احتياط عمل مى كند و يا به مجتهد ديگرى مراجعه مى نمايد كه يك بار را كافى مى داند.

٤ - پس از فتوى يا پيش از آن احتياط كند مثلا بگويد: احتياط، آن است كه نماز را دوباره بخواند، كه اين احتياط مستحب است .

## به پرسشهاى زير پاسخ دهيد:

١ - چرا تقليد كنيم ؟

٢ - تقليد چند نوع است ؟

٣ - چرا در يك زمان چند مجتهد و مرجع تقليد وجود دارد؟

٤ - در انتخاب مجتهد چند شرط وجود دارد؟

٥ - مجتهد چند نظر دارد؟

٦ - اعمال انسان به چند دسته تقسيم مى شود؟

# درس دوم : طهارت

همانطور كه در درس گذشته گفتيم ، مجموعه برنامه هاى عملى در اسلام ، احكام است كه از جمله احكام ، واجبات بوده و بخشى از واجبات ، نماز است كه از بهترين عامل ارتباط با خداوند است و از مقدمات آن ، طهارت مى باشد.

طهارت داراى دو شاخه است :

الف - طهارت باطنى كه با وضو، غسل و تيمم بدست مى آيد و بايد با قصد قربت انجام شود.

ب - طهارت ظاهرى كه عبارت است از طهارت بدن و لباس نمازگزاران كه در آن قصد شرط نيست ، هر چند اگر قصد قربت كند اجر و ثواب دارد و بايد توجه داشت كه مساءله طهارت غير از پاكيزگى و نظافت است و چه بسا كه چيزى پاكيزه است ولى از نظر احكام ، نجس مى باشد، مثل لباسى كه آلوده به آب نجس باشد.

اينك به بحث پيرامون طهارت و نجاست مى پردازيم :

طهارت و پاكيزگى در اسلام شرط اصلى نيايش با خداست . كسى كه مى خواهد نماز بخواند بايد مقدمات آن را كه طهارت بدن و لباس و سجده گاه است فراهم كند و اگر نجس باشد، آنها را طاهر نمايد و لازم است كه براى نمازش ‍ وضو بگيرد.

وضو:

نمازگزار قبل از انجام نماز بايد وضو بگيرد و طهارت معنوى به دست آورد آنگاه رو بسوى خالق يكتا كند و راز و نياز نمايد.

چنانكه نمازگزار غسل بر او لازم باشد بايد غسل كند و اگر وضو و غسل ممكن نباشد بايد بجاى غسل و وضو تيمم نمايد.

## .چگونگى وضو:

١ - صورت را از رستنگاه مو تا چانه مى شويد.

٢ - دست راست را از مرفق تا انتهاى انگشتان مى شويد.

٣ - دست چپ را از مرفق تا انتهاى انگشتان مى شويد.

٤ - با رطوبت دست راست جلوى سر را مسح مى كند.

٥ - با رطوبت آن ، از نوك انگشت تا برآمدگى پا مسح مى نمايد.

٦ - با رطوبت دست چپ به همين صورت پاى چپ را مسح مى كند.

## مسائل مسح :

١ - مسح لازم نيست به اندازه كف دست باشد بلكه به اندازه يك انگشت هم كافى است .

٢ - اگر موهاى اطراف سر در جلو سر جمع كرده باشند بايد آنها را عقب زد و روى موى جلو سر مسح نمود.

٣ - نبايد دست را نگه بدارند و سر و يا پا را به آن مسح كنند.

٤ - رطوبت دست بايد بقدرى باشد كه روى سر و پا اثر بگذارد. چنانچه در تابستان آب دست سريع خشك شود، مى توان از رطوبت صورت گرفت و مسح نمود.

٥ - اگر جاى مسح يا موى جلو سرتر باشد اگر رطوبت دست بيشتر از آن باشد مى توان مسح كشيد والا بايد آن را خشك كرد.

٦ - جاى مسح نبايد چيزى قرار بگيرد كه مانع از رسيدن رطوبت به آن باشد مثل چسب و غيره .

٧ - محل مسح بايد پاك باشد و چنانچه نجس باشد بايد قبل از مسح ، آن را طاهر كرد.

## شرط وضو:

١ - بايد آب وضو مطلق - مباح و پاك باشد

٢ - ظرف آب از طلا و نقره و يا غصبى نباشد.

٣ - وضو بايد پشت سر هم انجام گيرد و نبايد بين اعضاء فاصله انداخت كه اين را در اصطلاح موالات گويند و همينطور بايد به ترتيب وضو گرفت ، يعنى اول صورت بعد دست راست و دست چپ بعد مسح سر، سپس مسح پاها.

٤ - نبايد آب براى شخص وضو گيرنده ضرر داشته باشد.

٥ - وضو را بايد بقصد قربت انجام داد نه براى ريا و خودنمايى .

## احكام و شرائط وضو:

١ - وضو گرفتن از نهرهاى بزرگ كه نمى داند صاحب آن راضى است يا نه اشكال ندارد.

٢ - اگر بر روى دست و صورت لكه هاى رنگ است چنانچه رنگ ، جرم داشته و پوست را پوشانده باشد بايد پاك گردد ولى اگر تنها رنگ ، مانده و جرم نداشته باشد اشكال ندارد.

٣ - در وضو نبايد از ديگران كمك گرفت در اين صورت اگر شخص ديگرى بر دست و صورت انسان آب بريزد و يا مسح او را بكشد وضو باطل است . مگر آنكه خود، قدرت انجام اين كار را نداشته باشد.

٤ - اگر وقت نماز طورى تنگ باشد كه اگر وضو بگيرد نماز، قضا مى شود بايد بجاى وضو تيمم بگيرد.

## وضوى جبيره :

پارچه يا باند و دوائى كه بر زخم مى گذارند جبيره نام دارد .اگر محل وضوى شخص در اثر زخم و يا شكستگى پيچيده باشند و آب برايش ضرر داشته باشد نبايد آب بر روى آن كه ضرر دارد بريزد بلكه بايد با دست تر، بر آن بكشد كه اين وضو را وضوى جبيره اى مى گويند.

اگر جاى مسح ، بخاطر زخم ، باند پيچى شده باشد بايد پارچه طاهرى را بر روى آن بيندازند و روى آن را مسح نمايند و اگر باند طاهر باشد نياز به انداختن پارچه را ندارد.

كارهاى زير نياز به وضو دارد:

١ - براى خواندن نماز بجز نماز ميت كه وضو نمى خواهد.

٢ - براى انجام طواف خانه خدا در عمره يا حج ، خواه واجب باشد، يا مستحب .

٣ - براى دست زدن به نوشته قرآن يا نام خداوند ولى دست زدن به ترجمه قرآن اشكالى ندارد.

٤ - دست زدن به نامهاى معصومين عليه‌السلام(بنابر احتياط واجب)

## شك در وضو:

١ - اگر در بين نماز شك كند وضو گرفته يا نه نمازش باطل و بايد وضو بگيرد ولى اگر بعد از نماز شك كند نمازش ‍ صحيح و براى نماز بعد وضو بگيرد.

٢ - كسى كه وضو گرفته و نميداند وضويش باطل شده يا نه وضويش باقى است ولى كسى كه مى داند وضويش باطل شده و نمى داند وضو گرفته يا نه بايد وضو بگيرد.

٣ - كسى كه وضو گرفته و حدثى از او سر زده مثلا ادرار كرده يا بادى از او خارج شده ولى نمى داند كداميك جلوتر بوده اگر در بين نماز است بايد نماز را بشكند و وضو بگيرد. ولى اگر بعد از نمازش باشد صحيح و براى نمازهاى بعد بايد وضو بگيرد.

## چيزهايى كه وضو را باطل مى كند:

١ - ادرار ٢ - مدفوع ٣ - بادى كه از انسان خارج مى شود ٤ - خوابيكه انسان چيزى نبيند و چيزى نشنود ٥ - مستى و بيهوشى ٦ - استحاضه در زنان ٧ - جنابت .

## تيمم :

در صورتيكه آب نباشد يا آنكه به عللى براى نمازگزار ضرر داشته باشد بجاى وضو تيمم مى گيرد. دستور تيمم بدل از وضو:

١ - : نيت ، ٢ - زدن كف دو دست بر چيزى كه تيمم بر آن صحيح است ، مانند خاك يا شن يا سنگ تميز و پاك .

٣ - كشيدن تمام كف هر دو دست به تمام پيشانى و دو طرف آن از جايى كه موى سر مى رويد تا ابروها وبالاى بينى و احتياطا بايد، روى ابروها هم كشيده شود.

٤ - كشيدن تمام كف دست چپ به تمام پشت دست راست .

٥ - كشيدن تمام كف دست راست بر تمام پشت دست چپ .

مواردى كه بايد تيمم كرد:

در اين موارد بجاى وضو و غسل بايد تيمم كرد:

١ - تهيه آب بقدر وضو يا غسل ممكن نباشد.

٢ - اگر از استعمال آب بر بدن خود بترسد به اينكه بيمارى در او پيدا شود. ٣ - جائيكه بترسد اگر آب را بمصرف وضو برساند خودش يا ديگران از تشنگى بميرد.

٤ - كسيكه بدن يا لباسش نجس است و آب بمقدار طاهر كردن داشته باشد.

٥ - هر گاه وقت بقدرى تنگ باشد كه اگر وضو يا غسل كند نمازش قضا مى شود.

## به پرسشهاى زير پاسخ دهيد:

١ - اعمال وضو چيست ؟

٢ - مقدار واجب مسح سر و پا چه مقدار است ؟

٣ - كسى كه خودش نمى تواند وضو بگيرد چكار كند؟

٤ - موالات در وضو چيست ؟ آن را بيان كنيد.

٥ - اگر محل جبيره نجس باشد تكليف چيست ؟

٦ - در چه مواردى بايد وضوى جبيره گرفت ؟

٧ - در چه مواردى بايد تيمم كرد؟

# درس سوم : غسل

غسل عبارت از شستشوى بدن به گونه اى است كه خداوند خواسته است در موقعى كه انسان جنب شده و منى از او خارج شده يا با همسر خود همخوابگى كرده باشد يا زن و دختر از خون حيض پاك شده باشند بايد غسل كنند.

غسل به دو صورت انجام مى گيرد:

## ١ - غسل ترتيبى :

پس از پاك كردن هر قسمت از بدن و نيت ، سر و صورت خود را مى شويد، سپس سمت راست بدن و بعد سمت چپ را مى شويد، در غسل ترتيبى لازم نيست قبل از غسل ، بدن كاملا طاهر باشد بلكه شخص مى تواند هر قسمتى را كه مى خواهد به نيت غسل بشويد طاهر كند.

## ٢ - غسل ارتماسى :

در غسل ارتماسى بايد بدن كاملا طاهر كرد سپس نيت نمود و يكباره به زير آب فرو رفت ، در غسل چه واجب و چه مستحب بايد نيت واجب يا مستحب را انجام دهد.

## غسلها

بعضى از غسلها گاهى مشترك بين زن و مرد است مثل غسل جنابت يا غسل ميت يا غسل مس ميت و بعضى از آنها اختصاصات زنان است مثل غسل حيض يا استحاضه يا نفاس كه توضيحات هر يك خواهد آمد.

## الف - غسل جنابت

كه بخاطر خارج شدن منى و يا بخاطر همخوابگى وآميزش پديد مى آيد.

شخصى كه منى از او خارج شده و جنب است مستحب است كه قبل از غسل ، بول و ادرار كند، زيرا اگر ترك كند و بعد از غسل رطوبتى از او خارج شود و نداند منى است يا نه ، حكم منى را دارد و باز بايد غسل كند.

مسائلى پيرامون غسل :

مساءله - آبى كه گاهى اوقات از انسان خارج مى شود و صفات منى را ندارد پاك مى باشد و لازم نيست انسان غسل كند.

مساءله - كسى كه جنب مى شود و غسل مى كند براى خواندن نماز لازم نيست وضو بگيرد بلكه با همان غسل ، نماز مى خواند ولى اگر شخص بعد از غسل ادرار كند و يا كار ديگرى را كه وضو را باطل مى كند از او سر بزند بايد براى خود، وضو بگيرد.

مساءله - در غسل ترتيبى اگر كسى در موقع شستن بدن ، شك كند كه آيا قسمت قبلى را شسته يا نه بايد بشويد ولى اگر بعد از تمام شدن غسل شك كند غسلش درست است و لازم به شستن دوباره نيست .

مساءله - كسى كه چند غسل بر او واجب مى باشد مى تواند با يك غسل همه آنها را انجام دهد.

مساءله - در غسل ترتيبى لازم نيست داخل بينى و يا داخل گوش را بشويد زيرا آنها باطن هستند و شستن باطن لازم نيست .

كارهايى كه بر جنب حرام است :

١ - زدن دست به كلمات قرآن

٢ - رفتن به مسجد الحرام و مسجد پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم حتى به صورت عبور و گذرا

٣ - توقف در مساجد ولى به صورت عبور اشكال ندارد.

٤ - گذاشتن چيزى در مسجد

٥ - خواندن سوره هايى كه سجده واجب دارد كه چهار سوره است (الم تنزيل - حم سجده - النجم - اقراء)

مساءله - جايى را كه در ادارات و مدارس براى خواندن نماز قرار داده اند حكم مسجد را ندارد.

مساءله - تمام شرطهايى كه براى وضو گفتيم براى غسل هم لازم است جز اينكه موالات و پشت سر هم لازم نيست .

ب - غسل مس ميت ،

يعنى اگر كسى پس از سرد شدن ميت و قبل از غسل دادن او، به بدنش دست بزند بايد غسل كند.

غسل مس ميت مثل غسل جنابت انجام مى شود ولى با آن نمى توان نماز خواند و بايد وضو گرفت .

ج - غسل ميت ،

مسلمانى كه از دنيا مى رود بر همه واجب است كه او را غسل داده و كفن كنند و بر او نماز بخوانند و سپس دفنش كنند چنانچه كسى اقدام به اين كار كرد از ديگران ساقط مى شود.

چگونگى غسل :

واجب است كه ميت را سه غسل بدهند:

١ - با آبى كه مخلوط با سدر باشد.

٢ - با آبى كه با كافور مخلوط باشد.

٣ - با آب خالص

غسل ميت مانند غسل جنابت است و بهتر است كه بصورت ترتيبى انجام دهند.

چند مساءله :

١ - دست زدن به مرده ايكه تمام بدنش سرد نشده است موجب غسل نمى شود.

٢ - شهداى جبهه جنگ ، كه در همان ميدان نبرد جان دهند، غسل و كفن ندارند و بايد با همان لباس كه بر تن دارند دفن شوند.

٣ - دست زدن به بدن شهيد در جبهه غسل مس ميت ندارد

## به پرسشهاى زير پاسخ دهيد:

١ - غسل چند نوع است ؟

٢ - غسل جنابت در چه موقعى واجب مى شود؟

٣ - آيا لازم است بعد از غسل جنابت براى نماز وضو گرفت ؟

٤ - آيا دست زدن به بدن مرده اى كه سرد نشده غسل دارد؟

٥ - آيا دست زدن به بدن شهيد در جبهه غسل دارد؟

# درس چهارم : نجاسات

اسلام ، همه اشياء را پاك مى داند، مگر يازده چيز و آنچه كه با اينها در تماس باشد.

اشياء نجس بدين شرح است :

١ - و ٢ - بول و غائط:

(ادرار و مدفوع) از انسان و حيوانات حرام گوشت كه داراى خون جهنده اند يعنى وقتى آنها را سر ببريد خون با فشار از بدن آنها خارج مى شود. در اين صورت :

الف - ادرار و مدفوع حيوانات حرام گوشتى كه خون جهنده ندارند پاك است .

ب - ادرار و مدفوع حيواناتى كه گوشتشان مكروه است مثل اسب و الاغ پاك است .

ج - فضله پرندگان حرام گوشت مثل كلاغ پاك است .

ولى به فتواى امام خمينى نجس است .

٣ - منى :

انسان و حيوانى كه خون جهنده دارد مانند گاو گوسفند.

٤- مردار:

حيوانى كه خون جهنده دارد در اين صورت :

الف - ماهى مرده نجس نيست و پاك است .

ب - اجزاء بى روح مردار، مثل پشم و ناخن و سم پاك است .

ج - پوستهاى لب و بدن انسان كه موقع افتادنشان است و انسان آنها را مى كند پاك است .

د - صابون و عطر و روغنى كه از خارج مى آورند اگر يقين به نجاست آنها نباشد پاك است .

٥ - خون

خون حيوانى كه خون جهنده دارد نجس است .

الف - خون ماهى و پشه كه خون جهنده ندارند پاك است .

ب - خونى كه پس از سربريدن حيوان در بدنش مى ماند پاك است مگر آنكه در بلندى باشد و خون به بدنش برگردد يا اين كه كلا به مقدار معمول و متعارف ، خون از او خارج نشده باشد.

ج - خونى كه در تخم مرغ ديده مى شود بنظر مرحوم امام و بعضى از علما، پاك است ولى نبايد خورد مگر آنكه آن را به هم بزنند تا از بين برود(٢) ولى احتياط واجب آن است كه با بدن و لباسى كه آلوده به آن است نماز نخواند.

نجاست هر چيزى از سه طريق ثابت مى شود:

١ - خود انسان يقين به نجاست آن نمايد.

٢ - صاحب آن اقرار به نجاست آن كند.

٣ - دو نفر عادل اقرار به نجاست آن كنند.

## احكام نجاسات

١ - خوردن و خوراندن چيزهاى نجس حرام مى باشد.

٢ - اگر صاحبخانه در بين غذا خوردن ميهمانان ، بفهمد كه غذا نجس است بايد به آنها بگويد ولى اگر يكى از ميهمانها بفهمد، لازم نيست به ديگران بگويد مگر آنكه ميهمانان كسانى باشند كه بخاطر تماس با آنها او هم نجس مى شود مثل همسر و فرزندان .

ب - اگر كسى را ببيند كه چيز نجسى را مى خورد و يا در لباس نجس نماز مى خواند لازم نيست به او بگويد.

٣ - اگر فرش يا جايى از خانه نجس باشد كه موجب آلوده شدن مهمانان مى گردد لازم نيست صاحبخانه به آنها بگويد.

٤ - شير و روغن در صورتى كه مايع باشند اگر نجس شد همه آنها نجس است ولى اگر جامد باشند فقط همان قسمت كه نجاست به آنها رسيده نجس و بقيه پاك است .

چگونه نجاست سرايت مى كند؟

قبلا گفته شد چيزهاى پاك اگر با نجاست تماس پيدا كند و يكى از آن ، دو طورى تر باشد كه به ديگرى سرايت كند چيز پاك و طاهر نجس مى شود. و اين در صورتى است كه انسان بداند نجاست به چيز پاك سرايت كرده است بنابراين اگر نداند پاك و نجس به هم برخورد كرده اند و يا نداند مرطوب بوده اند و يا نداند رطوبت يكى به ديگرى سرايت كرده پاك و طاهر است و تجسس لازم نيست تا بفهمد چيز طاهر نجس شده يا نه .

## خوردن و آشاميدن

خداوند نعمتها را براى بندگان آفريده تا از آن نعمتها استفاده كنند، مانند خوراكيها چه گياهى باشد و چه حيوانى ولى بايد دانست كه گوشت پاره اى از حيوانات به عللى كه علم ، زيان برخى از آنها را كشف كرده حرام است .

كليه حيوانات درنده مانند گرگ ، پلنگ و غيره و همينطور روباه ، خرگوش ، گربه و غيره حرام گوشت هستند.

پرنده ها مانند، خفاش ، طاووس ، كلاغ و تمام پرندگانى كه چنگال دارند مانند عقاب حرام گوشت هستند و همانطور خوردن تمام حشرات حرام است ولى پرندگان ديگر كه در آسمان بال مى زنند خوردن آنها حلال است . همچنين تخم مرغ پرندگان حلال گوشت حلال واز حيوانات و پرندگان حرام گوشت حرام اند.

از حيوانات دريائى ماهيهاى پولك دار و بعضى از پرندگان دريايى حلال مى باشد و نيز خوردن ميگو كه همان ملخ دريايى است حلال است . در پايان بايد يادآورد شويم كه كليه غذاها و آشاميدنى هاى نجس و يا مضر بحال انسان حرام مى باشد.

## به پرسشهاى زير پاسخ دهيد:

١ - شير و روغن جامد اگر نجس شد آيا همه آنها نجس مى شود؟

٢ - آيا خون پشه و ماهى نجس است ؟

٣ - پشم و ناخن مردار نجس پاك است يا نجس ؟

٤ - آيا عرق جنب از حرام نجس است ؟

٥ - آيا مواد مست كننده كه جامدند نجس اند؟

٦ - آيا خونى كه در تخم مرغ است نجس است ؟

# درس پنجم : مطهرات يا پاك كننده ها

چيزهايى كه اشياء را پاك مى كنند عبارتند از:

١ - آب ٢ - زمين ٣ - آفتاب ٤ - اسلام ٥ - استحاله ٦ - انتقال ٧ - تبعيت ٨ - برطرف شدن عين نجاست ٩ - استبراء حيوان نجاست خوار ١٠ - غايب شدن مسلمان

## ١ - آب :

در صورتى پاك كننده است كه مطلق بوده و مضاف نباشد آب مطلق همان آب خالص است و آب مضاف عبارت از آبى است كه از چيزى گرفته شده باشد مثل آب سيب و يا آب هندوانه يا با چيزى مخلوط شده باشد.

آبهاى پاك كننده كه به آن مطلق مى گويند عبارت است از:

١ - آب چاه ٢ - آب جارى ٣ - آب باران ٤ - آب راكد، كه اگر مقدار آن زياد باشد يعنى وزن ٤١٩/٣٧٧ كيلوگرم باشد آب كر است و اگر كمتر از اين مقدار باشد آب قليل است .

اينك در مورد آب به نكات زير توجه كنيم :

١ - آب قليل با برخورد به نجاست نجس مى شود.

٢ - تمام آبهاى مطلق بجز آب قليل با برخورد به نجاست نجس نمى شود، مگر آنكه رنگ يا بو يا طعم آن با نجاست تغيير كند كه در اين صورت نجس است .

٣ - آب باران اگر بر زمين و يا فرش و لباس نجس ببارد آن ها را پاك مى كند مگر آن كه عين نجاست مثل خون باقى بماند و پاك نشده باشد.

٤ - آبى كه طاهر بوده ولى نمى دانيم نجس شده يا نه ؟ طاهر است و آبى كه نجس بوده و نمى دانيم طاهر شده يا نه نجس است و نيز آبى كه نمى دانيم نجس است يا طاهر پاك مى باشد.

چگونگى تطهير با آب :

١ - اگر شى ء نجس ظرف باشد با آب كر يك مرتبه و با آب قليل سه مرتبه بايد آن را آب كشيده و شست .

٢ - اگر اشياء غير ظرف باشد هر گاه با ادرار نجس شود با آب كر يك مرتبه و با آب قليل دو مرتبه و اگر به غير ادرار باشد با آب كر يك مرتبه و با آب قليل يك مرتبه .

٣ - هر گاه زمين نجس شده باشد پس از برطرف كردن عين نجاست با آب كر و آبى كه متصل به كر است ، مثل آب لوله كشى منازل يك بار و با آب قليل دو بار پاك مى شود. همينطور ديوار نجس

٤ - براى تطهير اشياء اول بايد نجاست را برطرف كرد سپس تطهير نمود مثلا اگر لباس يا دست به خون آلوده باشد بايد اول خون را پاك كرد سپس آن را آب كشيد و طاهر كرد.

٥ - اگر فرش يا لباس نجس شود و بخواهيم طاهر كنيم چنانچه با آب قليل باشد يك بار آب بريزيم و آن را فشار دهيم تا آب داخل آن خارج شود سپس با آب دوم طاهر كنيم .

٦ - آب لوله كه به منبع كر متصل است در حكم آب كر مى باشد و نجس نمى شود مگر آنكه بو يا رنگ يا طعم نجاست بگيرد و هر چيز نجسى را كه عين نجاستش برطرف شده به يكبار طاهر مى شود.

## ٢ - زمين :

زمين خود يكى از پاك كننده هاست و با سه شرط كف پا و ته كفش و نوك عصا را پاك مى كند. اين شرطها عبارتند از:

١ - زمين بايد خود پاك باشد.

٢ - زمين بايد خشك باشد.

٣ - عين نجاست بايد باتماس به زمين برطرف شود در اين صورت كف پا و ته كفش و نوك عصاى نجس بر روى فرش ، موزائيك ، حصير، چمن ، آسفالت ، پاركت كه با چوب فرش شده پاك نمى شوند.

## ٣ - آفتاب :

خود يكى از مطهرات و پاك كننده هاست و مى تواند چيزهاى زير را پاك كند.

زمين ، ساختمان ، چيزهايى كه در ساختمان به كار رفته و نمى توان آن را برداشت مثل درب و پنجره ، ميخى كه در ساختمان به كار رفته ، درخت و گياه .

آفتاب با شرايط زير پاك كننده است :

١ - آفتاب از پشت ابر و يا پرده نتابد مگر آنكه ابر و يا پرده رقيق و نازك بوده بطورى كه مانع از تابش نور آفتاب نباشند.

٢ - آفتاب به تنهايى محل نجاست را خشك كند نه توسط باد ولى اگر باد كم باشد مانعى ندارد.

٣ - هنگام تابش آفتاب عين نجاست وجود نداشته باشد.

٤ - آفتاب مقدارى از ساختمان كه در آن نجاست نفوذ كرده به يكباره خشك كند.

٥ - بين ديوار و ساختمانى كه نجاست در آن نفوذ كرده چيز طاهرى فاصله نباشد.

٦ - ساختمان و يا ديوارى كه نجس شده بايد تر باشد و اگر خشك باشد بايد بر آن آب ريخت تا آفتاب آن را خشك كند.

## ٤ - اسلام :

اگر شخص كافر مسلمان شود و شهادتين را بگويد (شهادت به يگانگى خداوند و رسالت پيامبرصلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلمتمام بدن او پاك مى شود، حتى لباسى كه به هنگام اسلام آوردن بر تن دارد ولى لباسهايى كه قبلا به تن داشته و با عرق بدنش نجس شده بايد آنها را آب بكشد و طاهر كند.

## ٥ - استحاله :

اگر شى ء نجسى از آن حالت اول خارج شود پاك مى گردد. مثل اين كه سگ در نمكزار نمك شود يا چوب نجس پس از سوزاندن خاكستر گردد.

ولى اگر شى ء نجس تغيير ماهيت ندهد طاهر نمى شود. مثل اينكه گندم نجس را آرد كنند و نان بپزند كه در اين صورت باز نجس است .

## ٦ - انتقال :

مثل اين كه خون بدن انسان و يا حيوان كه خون جهنده دارد به بدن پشه كه خون جهنده ندارد منتقل شود و جزء خون بدن او حساب شود پاك است ولى زالو كه خون انسان يا حيوان را مكيده و جزء بدن او حساب نمى شود و مى گويند خون انسان يا حيوان است در اين صورت نجس است .

## ٧ - تبعيت :

يعنى چيز نجسى بخاطر پاك شدن چيز نجس ديگرى بالتبع پاك شود مثل اينكه اگر شراب سركه شود ظرفى هم كه شراب در آن بوده پاك مى شود.

## ٨ - بر طرف شدن عين نجاست :

بدن حيوان و باطن بدن انسان پس از برطرف شدن نجاست پاك مى شود و نياز به آب كشيدن ندارد. مثلا منقار مرغى كه غذاى نجس را خورده وقتى نجاست بر طرف شود منقار او پاك مى باشد و اگر داخل گوش يابينى يا چشم نجس ‍ شود در اين صورت داخل دهان كه خونى است لازم نيست آب بكشند ولى اگر خون در دهان باشد نبايد فرو ببرد و بايد بيرون ريخت در اين صورت لبها كه نجس شده اند، بايد پاك و طاهر كرد.

## ٩ - استبراء:

يعنى حيوانى كه به خوردن نجاست انسان عادت كرده مثل مرغ و جوجه و غيره بول و غائط آنها نجس مى باشد و اگر بخواهيم كه پاك شوند بايد مدتى بجاى نجاست غذاى پاك به آنها داد و جلوى نجاستخوارى آنها را گرفت .به چنين كارى استبراء گويند.

## ١٠ - غائب شدن مسلمان :

اگر لباس ، بدن ، ظرف ، و فرش مسلمان نجس شود و او غايب گردد بعد كه او را ملاقات مى كنيم اگر احتمال دهيم كه آنها را آب كشيده است ، آن چيز پاك خواهد بود و اجتناب از آن ها لازم نيست .

## به پرسشهاى زير پاسخ دهيد:

١ - آب مضاف نجس چگونه پاك مى شود؟

٢ - خون پشه پاك است يانجس ؟

٣ - با حركت كف پا و نوك عصاى نجس بر روى آسفالت پاك مى شود؟

٤- ساختمان و ديوار نجس كه خشك شده باشد چگونه پاك مى شود؟

٥- استحاله و انتقال را توضيح دهيد؟

# درس ششم : نماز

## نماز چيست ؟

نماز سرود عشق و آهنگ آسمانى است .

نماز سرود فضليت و پاكى است

نماز ريسمانى است كه ما را به خداوند جهان متصل مى كند.

در آن وقت كه به وسيله نماز به خدا نزديك مى شويم جسم و جان خود را فراموش مى كنيم و تنها نيرو و قدرت لايزال خداوند را مى بينيم .

در آن لحظه كه آدمى به كمال و شكوه بى نهايت آفريدگار جهان مى انديشد، سراپا شيفته آن مى شود، دل و جانش به خضوع و خشوع و فروتنى مى گرايد، با آهنگ فطرت در برابر آن همه كمال و عظمت سر تعظيم فرود مى آورد، سر به زمين مى سايد و زبان به ستايش مى گشايد.

آن نيايش و پرستش و اين راز و نياز و كمك خواهى در زبان قرآن نماز ناميده مى شود.

نماز، مراسم مخصوصى براى پرستش خدا و راز و نياز با اوست كه در آن جنبه هاى ارزنده و آموزنده خاصى در نظر گرفته شده و به همين جهت شكل مخصوصى به خود گرفته است .

نماز، سرود توحيد و يكتا پرستى ، پاكى و فضيلت است كه روح و جان ما را از شرك و آلودگى شستشو داده و بايد فكر و درون ما را در برابر عوامل شرك زا و آلوده كننده يى كه در زندگى روزمره با آنها سر و كار داريم پاك و يكتاپرست نگه مى دارد.

كمتر كسى است كه در اثناى كار روزانه ، دستش ، لباسش ، دست و صورتش سر و پايش و گاهى همه پيكرش كثيف نشود و به تنظيف روزانه آنها نيازمند نباشد، دانش آموز يا دانشجويى كه درس مى خواند، معلمى كه درس مى دهد، كشاورزى كه به كند و كاو زمين ، كاشتن تخم و برداشت محصول مشغول است ، كارگر يا مهندسى كه در كارگاه كار مى كند، پرستار يا پزشكى كه با بيماران سر و كار دارد، بانوى خانه دارى كه خانه را اداره مى كند همه بايد روزى يك يا چند بار لباس و تن خود را شستشو دهند، تا پاكيزه بمانند.

روح ما نيز در ميدان زندگى روزانه به همين اندازه يا بيشتر در معرض آلودگى است ، آلودگى به هوسها خودخواهيها و صدها آلودگى هاى ديگر. بنابراين بايد همانطور كه لباس و تن خود را مى شوييم و پاكيزه مى كنيم ، دل و جان را هم شستشو دهيم و پاكيزه كنيم ، خود را به خدا كه سرچشمه پاكى و كمال است نزديك سازيم ، لحظاتى را به ياد او، به نيايش او و راز و نياز با او بگذرانيم و روح آلوده را در چشمه صاف و زلال الهى شستشو دهيم .

نمازهاى پنجگانه همين كار را مى كند با پنج نماز در روز، خداوند، لغزشها را از آدمى مى زدايد و او را پاكيزه مى كند.

## چرا نماز بخوانيم ؟

نماز پيوند انسان با خدا، شستشوى روان ، و راز و نياز با آفريننده يكتاست در آن لحظه كه انسان احساس پوچى و بى ارزشى در خود مى كند، از همه كس و همه جا بريده ماءيوس و نااميد در انديشه آينده خويش است دل به معبود خويش ‍ مى سپارد، بر مى خيزد و وضو مى گيرد و با قلبى مطمئن و آرام رو به قبله مى ايستد و توجه خود را از همه جا مى برد و بخداى خويش توجه مى كند و با او راز و نياز مى نمايد در اين هنگام حس مى كند كه با راز و نياز، خود را سبك تر و آرام تر نموده و خويشتن را بخدا نزديك مى بيند.

بايد دانست كه همانطور كه جسم و بدن پس از مدتى كه مى گذرد كثيف و آلوده مى شود و با شستشوى جسم ، بدن سبك و آرام مى گردد، روح و روان همه كه در اثر عوامل بيرونى آلوده و كثيف شده انسان ، با نماز، آن را تميز و شفاف مى سازد اين است كه بزرگان گفته اند، نماز معراج مؤ من و وسيله نزديك شدن انسان به خدا و آرام بخش ‍ دلهاست .

## اقسام نماز

نماز به دو دسته تقسيم مى شود:

١ - نمازهاى واجب

٢- نمازهاى مستحب

الف - نمازهاى واجب

عبارتند از:

١- نمازهاى يوميه (شبانه روزى)

٢ - نماز آيات

٣ نماز ميت

٤- نماز طواف واجب خانه كعبه

٥ - نماز قضاى خود و قضاى پدر و مادر كه بر عهده پسر بزرگتر است .

٦ - نمازى كه با اجير شدن يا به نذر و قسم واجب مى شود.

## نمازهاى يوميه

در شبانه روز انسان بايد پنج بار نماز بخواند و اين نماز كه به نام نماز روزانه معروف است عبارتند از:

١ - نماز صبح كه دو ركعت است كه نمازگزار از اذان صبح تا قبل از طلوع آفتاب فرصت دارد بخواند.

٢ - نماز ظهر كه چهار ركعت است

٣ - نماز عصر است كه همانند نماز ظهر چهار ركعت است و وقت اين دو نماز از اذان ظهر تا غروب است .

٤ - نماز مغرب - كه وقت شروع آن بعد از اذان مغرب است و پايان وقت آن تا نزديك نصف شب است .

٥ - نماز عشاء كه وقت آن بعد از نماز مغرب است تا نصف شب .

## واجبات نماز

واجبات نماز يازده چيز است : كه بعضى ركن و بعضى غير ركن اند.

در ركن اگر چيزى اضافه يا كم شود حتى اگر اشتباه باشد نماز باطل است ولى در غير ركن اگر از روى فراموشى كم يا زياد شود نماز باطل نيست .

آنهايى كه ركن اند عبارتند از:

١ - نيت :

يعنى نماز را بخاطر نزديك شدن بخداوند و اطاعت از فرمان او بخواند.

٢ - تكبيرة الاحرام :

يعنى پس از نيت مى گويد: الله اكبر

٣ - قيام :

يعنى ايستادن در موقع تكبيرة الاحرام و پيش از ركوع كه به آن قيام متصل به ركوع گويند.

٤ - ركوع :

يعنى بعد از قرائت حمد و سوره در ركعت اول و دوم و يا بعد از تسبيحات چهارگانه در ركعت سوم و چهارم نماز گزار ركوع مى كند يعنى در پيشگاه الهى به احترام او به قدرى خم مى شود كه كف دستها به زانوها برسد، آنگاه ذكر ركوع را مى خواند:سبحان ربى العظيم و بحمده

٥ - سجود:

يعنى نمازگزار بعد از هر ركعت دو سجده مى كند كه پيشانى و كف دو دست و سر دو زانو و سر دو انگشت شصت پا را بر زمين مى گذارد و ذكر سجده را مى خواند:

سبحان ربى الاعلى و بحمده

و آنهايى كه غير از ركن اند عبارتند از:

١ - قرائت :

يعنى خواندن حمد و سوره در ركعت اول و دوم نماز

٢ - ذكر:

كه عبارت از ذكر ركوع و سجود است .

٣ - تشهد:

در ركعت دوم و ركعت آخر نمازها بايد نمازگزار بعد از سجده دوم بنشيند و تشهد بخواند:

اشهد ان لا اله الا الله وحده لاشريك له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله ، اللهم صل على محمد و آل محمد

٤ - سلام :

نمازگزار بعد از تشهد ركعت آخر، نماز سلام مى دهد و مى گويد:

السلام عليك ايها النبى و رحمة الله و بركاته السلام علينا و على عبادالله الصالحين السلام عليكم و رحمة الله و بركاته

٥ - ترتيب :

يعنى نمازگزار بايد نماز را به ترتيب بخواند يعنى حمد را قبل از سوره و ركوع را قبل از سجده و تشهد را قبل از سلام بخواند و چنانچه پس و پيش خواند نمازش باطل مى شود.

٦ - موالات :

يعنى نمازگزار تمام بخشهاى نماز را بايد بدون فاصله و پشت سر هم انجام دهد.

## اذان و اقامه

فرا رسيدن وقت هر نماز با اذان اعلام مى شود، هنگام سپيده صبح ، ظهر عصر، غروب آفتاب و در نخستين لحظات تاريك شدن هوا در هر منطقه اسلامى با آهنگ روح نواز اذان به همه اعلام مى شود كه وقت نماز فرا رسيده است .

اذان يكى از شعائر اسلامى و سنت مؤ كد است كه همواره مسلمانان را متنبه و آگاه مى سازد.

چگونگى اذان و اقامه :

الله اكبر اذان ٤ مرتبه ، اقامه ٢ مرتبه

اشهد ان لا اله الا الله اذان ٢ مرتبه ، اقامه ٢ مرتبه

اشهد ان محمد رسول الله اذان ٢ مرتبه ، اقامه ٢ مرتبه

اشهد ان عليا ولى الله اذان ٢ مرتبه ، اقامه ٢ مرتبه

حى على الصلوة اذان ٢ مرتبه ، اقامه ٢ مرتبه

حى على الفلاح اذان ٢ مرتبه ، اقامه ٢ مرتبه

حى على خيرالعمل اذان ٢ مرتبه ، اقامه ٢ مرتبه

قد قامت الصلوة اقامه ٢ مرتبه

الله اكبر اذان ٢ مرتبه ، اقامه ٢ مرتبه

لا اله الا الله اذان ٢ مرتبه ، اقامه ١ مرتبه

## آموزش نماز

نمازگزار پس از اذان و اقامه رو به خانه كعبه مى ايستد و نيت مى كند كه كارش براى خداست آنگاه با دلى آرام و به دور از هر كار ديگر دل به سوى خدا مى آورد در حالى كه دستها را تا نزديك گوشهاى خود بالا برده مى گويد: الله اكبر «خدا از هر كس و هر چيز بزرگتر و از آنچه در تصور ما بگنجد برتر است»

سپس حمد و سوره را مى خواند:

(بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـٰنِ الرَّحِيمِ﴿[١](http://tanzil.ir/#1:1)﴾

الْحَمْدُ لِلَّـهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴿[٢](http://tanzil.ir/#1:2)﴾الرَّحْمَـٰنِ الرَّحِيمِ﴿[٣](http://tanzil.ir/#1:3)﴾مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ﴿[٤](http://tanzil.ir/#1:4)﴾إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴿[٥](http://tanzil.ir/#1:5)﴾اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴿[٦](http://tanzil.ir/#1:6)﴾صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ)

(بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـٰنِ الرَّحِيمِ قُلْ هُوَ اللَّـهُ أَحَدٌ﴿[١](http://tanzil.ir/#112:1)﴾اللَّـهُ الصَّمَدُ﴿[٢](http://tanzil.ir/#112:2)﴾لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ﴿[٣](http://tanzil.ir/#112:3)﴾وَلَمْ يَكُن لَّهُ كُفُوًا أَحَدٌ )

سپس به ركوع مى رود و مى گويد:سبحان ربى العظيم و بحمده

آنگاه سر از ركوع برميدارد و مى گويد:سمع الله لمن حمده ، الله اكبر

آنگاه به سجده مى رود و در سجده چنين مى خواند:سبحان ربى الاعلى و بحمده

آنگاه سر از سجده بر ميدارد و مى گويد:اءستغفرالله ربى و اتوب اليه

سپس به سجده دوم مى رود و پس از ذكر سجده ، سر بر مى دارد و مى نشيند.

آنگاه بلند مى شود و مى گويد:

بحول الله و قوته اقوم و اقعد

سپس حمد و سوره را مثل گذشته مى خواند و پس از خاتمه سوره ، قنوت مى گيرد و ذكر قنوت را مى خواند در قنوت هر آيه و دعائى را مى تواند بخواند مثلا:رب زدنى عملا و الحقنى بالصالحين

سپس به ركوع مى رود و ذكر ركوع را مى خواند.

بعد به سجده مى رود و دو سجده را مانند قبل انجام مى دهد. بعد مى نشيند و تشهد مى خواند:اشهد ان لا اله الاالله وحده لاشريك له # و اشهد ان محمدا عبده و رسوله اللهم صل على محمد و آل محمد

پس از تمام شدن تشهد اگر نماز دو ركعتى است سلام مى دهد و اگر نماز سه ركعتى و يا چهار ركعتى باشد بلند مى شود و تسبيحات چهارگانه را مى خواند:سبحان الله و الحمدلله و لااله الاالله و الله اكبر(سه بار) آنگاه به ركوع مى رود و ذكر ركوع را مى خواند بعد به سجده مى رود و دو سجده را انجام مى دهد بعد مى نشيند و چنانچه نماز مغرب باشد تشهد مى خواند و سلام مى دهد. واگر نماز چهار ركعتى است مثل (ظهر- عصر- عشاء) دوباره برمى خيزد و تسبيحات چهارگانه را مانند قبل مى خواند و به ركوع مى رود و بعد دو سجده را بجا مى آورد سپس مى نشيند و مانند قبل تشهد مى خواند و بعد سلام مى دهد و مى گويد:

السلام عليك ايهاالنبى و رحمة الله و بركاته السلام علينا و على عباد الله الصالحين السلام عليكم و رحمة الله و بركاته

## به پرسشهاى زير پاسخ دهيد:

١ - فرا رسيدن وقت نماز با چه چيز اعلام مى شود؟

٢ - تفاوت اذان واقامه در چيست ؟

٣ - آيا ركوع و سجود ركن اند؟

٤ - در كدام يك از ركعات نماز، تشهد خوانده مى شود؟

٥ - تفاوت ركوع با ذكر ركوع چيست ؟

# درس هفتم : شكيات نماز

شكيات بر ٢٣ قسم است ، هشت قسم آن نماز را باطل مى كند و به شش قسم آن نبايد اعتنايى كرد و نه قسم آن صحيح است .

## شكهاى باطل :

اگر يكى از اين شكها را براى نمازگزار پيش آيد، نمازش باطل است :

١ - شك در شماره ركعتهاى نمازهاى دو ركعتى

٢ - شك در شماره ركعتهاى نماز سه ركعتى

٣ - در شكهاى نمازهاى چهار ركعتى كه پاى يك در ميان باشد.

٤ - اگر در نمازهاى چهار ركعتى پيش از تمام شدن سجده دوم شك كند.

٥ - شك بين ٢ و ٥ يا ٢ و بيشتر از ٥.

٦ - شك بين ٣ و ٦ يا ٣ و بيشتر از ٦.

٧ - شك بين ٤ و ٦ و يا ٤ و بيشتر از ٦.

٨ - شك در ركعتهاى نماز كه نداند چند ركعت خوانده

شكهائى كه نبايد به آن ها اعتنا كرد:

١ - شك در چيزى كه نمازگزار از محل آن گذشته است مثل اينكه در ركوع شك كند كه آيا حمد و سوره را خوانده يا نه .

٢ - شك بعد از سلام نماز

٣ - شك بعد از گذشتن وقت نماز

٤ - شك كسى كه زياد در نماز شك مى كند كه به او كثيرالشك مى گويند.

٥ - شك امام در شماره ركعتهاى نماز در صورتى كه ماءموم آن را بداند و يا شك ماءموم در ركعتهاى نماز در صورتى كه شماره آن را امام بداند كه در صورت اول ، امام با رجوع به ماءموم رفع شك از خود مى كند و در صورت دوم ، ماءموم ، با رجوع به امام ، وظيفه خود را انجام مى دهد.

٦ - شك در نمازهاى مستحبى

## شكهاى صحيح

در نه صورت اگر نمازگزار در شماره ركعتهاى نماز چهار ركعتى شك كند بايد به دستورات زير عمل نمايد:

١ - نمازگزار بعد از سربرداشتن از سجده دوم شك كند دو ركعت خوانده يا سه ركعت ، بنا را بر سه مى گذارد و يك ركعت ديگر را مى خواند و نماز را تمام مى كند سپس يك ركعت نماز احتياط ايستاده ، يا دو ركعت نشسته مى خواند.

٢ - شك بين دو و چهار بعد از سجده دوم ، بنا را بر چهار مى گذارد و نماز را تمام مى كند و دو ركعت نماز احتياط مى خواند.

٣ - شك بين دو و سه و چهار بعد از سجده دوم بنا را بر چهار مى گذارد و نماز را تمام مى كند آنگاه دو ركعت نماز احتياط ايستاده و دو ركعت نشسته مى خواند

٤ - شك بين چهار و پنج بعد از سجده دوم كه بنا را بر چهار مى گذارد و نماز را تمام نموده و بعد از نماز، دو سجده سهو مى كند.

٥ - شك بين سه و چهار در هر كجاى نماز كه باشد بنا را بر چهار مى گذارد و نماز را تمام مى كند وبعد يك ركعت نماز احتياط ايستاده مى خواند.

٦ - شك بين چهار و پنج در حال ايستاده كه بايد نمازگزار بدون ركوع بنشيند و تشهد را بخواند و نماز را سلام دهد و يك ركعت نماز احتياط ايستاده را بخواند.

٧ - شك بين سه و پنج در حال ايستاده كه بايد نماز گزار بدون ركوع بنشيند و تشهد را بخواند و سلام دهد و دو ركعت نماز احتياط را ايستاده بخواند.

٨ - شك بين سه وچهار و پنج در حال ايستاده كه بايد نمازگزار، بنشيند و سلام دهد سپس دو ركعت نماز احتياط ايستاده و دو ركعت نشسته بخواند.

٩ - شك بين پنج و شش در حال ايستاده كه بايد نمازگزار بنشيند و تشهد بخواند و سلام دهد سپس دو سجده سهو را بجا آورد.

## نماز احتياط

كسى كه نماز احتياط بر او واجب شده بايد فورا بعد از نماز نيت كند و تكبير بگويد و حمد را بخواند و به ركوع رود و دو سجده را بخواند پس اگر يك ركعت نماز احتياط بر او واجب است تشهد مى خواند و سلام مى دهد و اگر دو ركعت بعهده اوست پس از دو سجده ديگر پس از دو سجده برمى خيزد و يك ركعت ديگر مثل قبل مى خواند و پس از دو سجده ديگر تشهد مى خواند و سلام مى دهد و دو ركعت نماز احتياط نشسته هم به همين صورت مى خواند با اين تفاوت كه بجاى ايستادن مى نشيند. بايد توجه داشت كه نماز احتياط سوره و قنوت ندارد و بايد آهسته خواند ونيت هم به زبان نياورد.

## سجده سهو

در شش مورد بايد سجده سهو كرد يعنى نمازگزار بعد از سلام نماز فورا نيت سجده سهو مى كند و پيشانى را بر چيزى كه سجده بر آن صحيح است مى گذارد و مى گويد:بسم الله و بالله و صلى الله على محمد و آل محمدآنگاه سر از سجده برمى دارد و دوباره به سجده مى رود و باز همان ذكر را تكرار مى كند و سر از سجده بر مى دارد و مى نشيند و تشهد مى خواند و سلام مى دهد.

مواردى كه سجده سهو لازم است عبارتند از:

١ - در بين نماز، سهوا حرف بزند.٢ - جائى كه در نماز نبايد سلام دهد مثلا در ركعت اول سهوا سلام دهد ٣ - در نماز يك سجده را فراموش كند ٤ - تشهد نماز را فراموش كند ٥ - در نماز ٤ ركعتى بعد از سجده دوم شك كند كه ٤ ركعت خوانده يا ٥ ركعت در اين صورت مى نشيند و نماز را تمام مى كند و دو سجده سهو بجا مى آورد ٦ - و همچنين در نماز چهار ركعتى در حالت ايستاده شك بين ٥ و ٦ پيش آيد.

## به پرسشهاى زير پاسخ دهيد:

١- اقسام شكهاى باطل كدامند؟

٢- چه شكهايى نبايد به آنها توجه كرد؟

٣- شكهاى صحيح چند نوعند؟

٤- نماز احتياط را چگونه بايد خواند؟

# درس هشتم : نماز آيات

نماز آيات با يكى از چهار مورد زير واجب مى شود:

١ - گرفتن خورشيد.

٢ - گرفتن ماه .

در هر مورد لازم نيست تمام قرص گرفته شود و يا كسى بترسد.

٣ - زلزله اگر چه كسى نترسد.

٤ - رعد و برق و طوفانهاى شديد در صورتى كه بيشتر مردم بترسند.

## كيفيت نماز آيات :

نماز آيات دو ركعت است در هر ركعت پنج ركوع دارد به صورتهاى مختلف خوانده مى شود و مختصرترين صورت آن ، بدين گونه است كه نمازگزار پس از نيت تكبير مى گويد و حمد و سوره را پنج قسمت مى كند و در هر قسمت به ركوع مى رود و سر از ركوع برمى دارد و قسمت ديگر را مى خواند مثلا مى گويد:

بسم الله الرحمن الرحيم ركوع

(قُلْ هُوَ اللَّـهُ أَحَدٌ )ركوع

(اللَّـهُ الصَّمَدُ )ركوع

(لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ) ركوع

(وَلَمْ يَكُن لَّهُ كُفُوًا أَحَدٌ) ركوع

و بعد به سجده مى رود و پس از سجده بر مى خيزد و حمد را مى خواند و سوره را به همان صورت قبل تقسيم مى كند آنگاه به سجده مى رود و تشهد را مى خواند و سلام مى دهد و مستحب است كه قبل از ركوع دهم ، قنوت نيز بخواند.

## نماز ميت

نماز بر مرده مسلمان اگر چه بچه باشد و شش سال او تمام شده باشد واجب و لازم است و بايد بعد از غسل دادن و كفن كردن ميت ، بر او نماز خواند و لازم نيست دسته جمعى باشد حتى اگر يكنفر باشد بايد خود، بر او نماز بخواند.

دستور نماز ميت به قرار زير است :

ميت را در برابر نمازگزار به پشت بخوابانند بطوريكه سر او بطرف سمت راست نمازگزار و پاى او بطرف چپ نمازگزار قرار گيرد.

نماز ميت پنج تكبير دارد:

پس از تكبير نماز اول مى گويد:اشهد ان لااله الله و ان محمدا رسول الله

پس از تكبير دوم مى گويد:اللهم صل على محمد و آل محمدپس از تكبير سوم مى گويد:اللهم اغفر للمؤ منين و المؤ منات بعد از تكبير چهارم ، اگر ميت مرد است مى گويد:

اللهم اغفر لهذا الميت و اگر زن است مى گويد:اللهم اغفر لهذه الميت بعد تكبير پنجم را مى گويد و نماز را تمام مى كند.

## نماز طواف كعبه

يكى از اعمال عمره و حج ، طواف است ، يعنى هفت دور گشتن به دور خانه خدا با شرايطى كه در مناسك حج آمده است ، بعد از تمام شدن طواف بايد فورا دو ركعت نماز به نيت نماز طواف مثل نماز صبح در كنار مقام ابراهيم بخوانند و نبايد بين نماز وطواف فاصله بيفتد يا در جاى ديگرى غير از مقام ابراهيم خوانده شود.

## نماز قضاء

كسى كه نماز واجب خود را در وقت نخوانده يا باطل بوده بايد قضاء، آن را هر چه زودتر بخواند همچنين اگر پدر و مادر نماز و روزه را بجا نياورده اند بر پسر بزرگتر واجب است كه براى آنها نماز بخواند و روزه بجا آورد و چنانچه نتواند ومشكلش باشد بايد ديگرى را بر اين كار اجير كند.

نمازى كه شخص اجير شده يا نذرى كرده كه آن را بخواند

اگر شخصى اجير شده باشد كه در برابر گرفتن مزد، نمازهاى فوت شده ميتى را بخواند و يا اين كه شخصى بخواهد تبرعا و بدون گرفتن مزد، نمازهاى او را بجا آورد، بر او لازم است نمازهاى ميت را به هر نحو كه مشخص كرده اند بخواند و همينطور اگر كسى نذر يا عهد كرده نماز را بخواند، آن نماز نيز بر او واجب مى باشد مثلا شخصى نذر كرده و يا با خداى خود عهد وپيمان بسته كه سه روز نماز بخواند، اين نماز مثل همان نماز يوميه و روزانه است و تفاوتى ندارد.

## نماز مسافر

اگر انسان به سفر برود در صورتى كه سفرش كمتر از ٨ فرسخ نباشد، بايد، نمازهاى چهار ركعتى ؛ مثل ظهر و عصر و عشاء را دو ركعت بخواند كه به آن نماز قصر يا (كوتاه) مى گويند بايد توجه داشت كه ديگر فرق بين گذشته و امروز نيست چه گذشته كه مردم با الاغ سفر مى كردند و ماهها سفرشان طول مى كشيد و چه امروز كه مردم با هواپيما سفر مى كنند ولى اگر مسافر پيش از گذشتن وقت نماز به شهر خود برسد نماز را در وطن خود بطور كامل مى خواند.

## نماز جماعت

مستحب است كه نمازهاى واجب به ويژه نمازهاى روزانه را، با جماعت بخوانند، زيرا نماز پشت سر امام جماعت عادل هر ركعت ، آن ثواب صد ركعت دارد و هر چه بر تعداد ماءمومين اضافه شود ثواب جماعت هم بيشتر مى شود.

## نماز جمعه

نماز جمعه در زمان حضور امام واجب است و در زمان غيبت واجب تخييرى است

## اقسام روزه :

روزه به چهار نوع تقسيم مى شود: ١ - واجب ٢ - حرام ٣ - مستحب ٤ - مكروه

روزه هاى واجب :

الف - روزه ماه رمضان

ب - روزه قضاء و كفاره

ج - روزه اى كه با نذر واجب مى شود

د- روزه قضاء پدر بر پسر بزرگتر

روزه هاى حرام :

الف - روزه عيد سعيد فطر و عيد سعيد قربان

ب - روزه مستحبى فرزند كه سبب ناراحتى پدر و مادر شود ويا آنكه فرزند را از گرفتن آن نهى كرده باشند.

روزه هاى مستحب :

الف - هر پنجشنبه و جمعه

ب - روز مبعث (٢٧ ماه رجب)

ج - عيد غدير(١٨ ذيحجه)

د- روز ميلاد پيامبر (١٧ ربيع الاول)

ه‍- روز عرفه (٩ذيحجه)

و- تمام ماه رجب و شعبان

ن - عيد نوروز

ى - ١٣ و ١٤ و ١٥ هر ماه

روزه هاى مكروه :

الف - روزه مستحبى ميهمان بدون اجازه ميزبان و يا نهى او

ب - روزه مستحبى فرزند بدون اجازه پدر

ج - روزه روز عاشورا

د- روزه روز عرفه در صورتى كه مانع از مراسم دعا شود.

ه‍- روزه روزى كه نمى داند عرفه است يا عيد قربان

## نيت :

در روزه لازم است كه انسان نيت كند و لازم نيست نيت را بر زبان بياورد بلكه همانقدر كه براى سحرى برمى خيزد و روزه مى گيرد كافى است و بهتر است كه از شب اول ماه رمضان بمدت يكماه نيت كند.

## مبطلات روزه :

كارهايى كه روزه را باطل مى كند عبارتند از:

الف و ب - خوردن و آشاميدن

ج - رساندن غبار يا دود غليظ به حلق

د- فرو بردن تمام سر به زير آب

ز- قى كردن به طور عمد

ه - آميزش با همسر

ى - استمناء يعنى كارى كند كه جنب شود و منى از او بيرون بيايد.

ن - باقى ماندن بر جنابت تا اذان صبح بدون عذر

مساءله - خوردن و آشاميدن از روى فراموشى روزه را باطل نمى كند.

مساءله - تزريق آمپول اگر بجاى غذا نباشد اشكال ندارد ولى بايد از استعمال آمپول تقويتى و يا غذايى خوددارى كرد(٥)

## چيزهايى كه خمس ندارد:

١ - مالى كه از ارث به انسان برسد

٢ - چيزهايى كه به انسان بخشيده اند(٧)

٢ - دام و حيوانات بايد يكسال يا بقولى يازده ماه از مالكيت آن گذشته باشد پس اگر شخص ٥٠ گوسفند بخرد و پس از گذشت ده ماه آن را بفروشد زكات ندارد.

٣ - حيوانات بايد در تمام سال بيكار باشند پس گاو و شترى كه در كار مزرعه از او استفاده مى شود زكات ندارد.

٤ - حيوان در تمام مدت سال از علفهاى بيابان و خودرو استفاده كند پس اگر در تمام مدت سال يا مقدارى از آن از علفهاى چيده شده استفاده كند زكات ندارد.

٥ - زكات طلا و نقره در صورتى واجب است كه به صورت سكه باشد بنابراين زيور آلات طلا كه خانمها استفاده مى كنند زكات ندارد.

٦ - پرداخت زكات بايد با نيت پاك و براى خدا باشد نه اغراض ديگر.

راه هاى مصرف زكات :

در هشت مورد مى توان زكات را به مصرف رساند:

١- فقير يعنى كسى كه درآمدش كمتر از خرج سالش باشد يا معلول است و نمى تواند كار كند و منشاء مالى ديگرى هم نداشته باشد.

٢ - مسكين و آن فقيرى كه درمانده و بينواست و هرچه تلاش مى كند كارى برايش پيدا نمى شود نه آنكه از كار بگريزد.

٣ - به كافران براى كمك گرفتن از آنها در جنگ و يا نرم كردن دلهاى آنها بطورى كه به اسلام توجه پيدا كنند و مسلمان شوند.

٤ - براى آزاد كردن بردگان كه در قديم برده گيرى و برده دارى مرسوم بوده است و اسلام با اين كار با شيوه بردگى مبارزه كرده است .

٥ - بدهكارى كه قدرت پرداخت قرض خود را ندارد.

٦ - كارهايى كه مربوط به عموم مردم و رفاه آنان است مانند پل سازى و جاده كشى و برق كشى و غيره .

٧ - مسافرى كه در سفر درمانده يا پول او را دزديده اند و هيچ راهى براى بازگشت به وطن خود ندارد.

٨ - كسانى كه از طرف امام يا نايب او ماءمور جمع آورى زكات و مصرف آنها بر طبق دستور هستند.

## به پرسشهاى زير پاسخ دهيد:

١ - خمس يعنى چه ؟

٢ - به چه چيزهايى خمس تعلق مى گيرد؟ آنها را نام ببريد.

٣ - راه مصرف خمس چگونه است ؟

٤ - چه چيزهايى خمس ندارد؟ آن ها را نام ببريد؟

٥ - حد نصاب كه در زكات نام برده مى شود يعنى چه ؟

٦ - زكات گندمى كه هم از آب باران استفاده مى كند و هم از آب چاه چيست ؟

٧ - آيا حد نصاب قبل از كم كردن مخارج محاسبه مى شود يا بعد از آن ؟

# درس نهم : حج و امر به معروف و نهى از منكر

حج يكى از مراسم با شكوه اسلام و تجسم عملى ايمان است كسانى كه موفق به رفتن حج شده اند توان و قدرت ايمان را عملا ديده اند و تنها ايمان و اسلام است كه ميليونها مسلمان از اطراف جهان در يك نقطه گردآورى كرده كه همه با يك لباس و يك شعار برگرد خانه توحيد بگردند و ايمان خود را اظهار كنند اين يك خانه مكعبى شكل كه زير بنايش را آدم نهاد، و ابراهيم قهرمان توحيد به تعميرش پرداخت يك الگو و نمونه است چنين نيست كه بعضى ها تصور مى كنند كه اين خود، بت پرستى است زيرا ما كعبه را مانند بت نمى پرستيم ما خدا را پرستش مى كنيم و به گفته قرآن كه هر طرف رو كنيد خدا آنجاست خداوند ماده نيست كه نياز به مكان داشته باشد، در اين صورت كعبه سنبل وحدت و يكپارچگى امت اسلامى است . خداوند اين مكان را بعنوان جلوه اى از قدرت و توان خويش به نمايش گذاشته و همه را بسوى آن دعوت كرده تا قبله گاه خود قرار دهند و وحدت و يكپارچگى امت برقرار بماند و آئين توحيد كه تمام مردم در روى زمين را به وحدت و يكپارچگى دعوت مى كند لطمه نبيند و از بين نرود.

مراسم حج بر هر مسلمانى كه توان مالى و جسمى داشته باشد لازم و واجب است و هر مسلمانى كه واجد شرايط باشد، بايد به اين آزمايشگاه بزرگ الهى سر بزند و از نزديك مكانهاى گوناگون عرفات ، مشعر، منى ، صفا و مروه و رمى جمرات سه گانه را ببيند و مشاهده كند كه هر كدام برايش يك تجسم عملى اسلام و موجب يك نوع طهارت و پاكيزگى روحى است .

## احكام حج :

حج بر كسى واجب مى شود كه :

١ - بالغ باشد.

٢ - عاقل و آزاد باشد.

٣ - بخاطر رفتن به حج ناگزير به كار حرام يا ترك واجبى كه اهميتش از حج بيشتر است نباشد.

٤ - مستطيع باشد كه اين استطاعت همانطورى كه گذشت هم از نظر مالى است كه بايد مخارج خود و كسانى كه خرجى آنان بر او واجب است داشته باشد و پس از بازگشت براى كسب و زراعت و غيره سرمايه كافى در اختيارش ‍ باشد و يا بر سر كار خود برقرار باشد و هم از نظر جسمى كه بايد حج گزار از سلامت جسمى و مزاجى برخوردار بوده كه بتواند اعمال خود را بجا آورد و هم اين كه از نظر راه از آزادى و امنيت برخوردار باشد.

در اين صورت شخصى كه حج بر او واجب شده و توان مالى و جسمى دارد نمى تواند حج خود را ترك كند و پول آن را به راه هاى خير مصرف نمايد.

## امر به معروف و نهى از منكر

جهانى كه در آن زندگى مى كنيم جهان عمل و عكس العمل است . تمامى موجودات از انسان گرفته تا حشرات در برابر دنياى بيرون خود عكس العمل نشان مى دهند و انسان كه از نيروى انديشه وعقل برخوردار است عكس العملش بسيار گسترده تر است . كرمى كه در خاك زندگى مى كند به محض احساس خطر خود را جمع مى كند و يا در درون خاك ، خود را پنهان مى سازد و انسان هم در برابر كارهايى كه مخالف با فطرت و ذات اوست ، از خود عكس العمل نشان مى دهد كارهايى را كه فطرتش پاسخ مثبت به آن مى دهد مى پذيرد مانند تمامى كارهاى خوب و آنچه در فرهنگ دينى بعنوان واجبات و مستحبات از آن ياد شده است و كارهايى كه فطرت به او پاسخ منفى مى دهد نمى پذيرد و آن را رد مى كند مانند كارهاى حرام و مكروه ، اينجاست كه انسان بر اساس انديشه و فطرت و آگاهى هاى خود مى كوشد كه ديگران را به كارهاى نيك وادار سازد و آنها را از كارهاى زشت باز دارد. از اين رو فصلى در فرهنگ اسلامى به نام امر به معروف و نهى از منكر به وجود مى آيد. پس امر به معروف و نهى از منكر فضولى در كارهاى ديگران نيست بلكه پاسخى است به فطرت انسانى از اين رو على عليه‌السلام درباره امر به معروف و نهى از منكر در نهج البلاغه مى فرمايد: «بدانيد كه امر به معروف و نهى از منكر سبب انجام واجبات و ترك محرمات مى گردد و با آن مى توان امينت اجتماعى به وجود آورد تا پيروان همه مذاهب آسمانى در كنار هم با صلح و صفا زندگى كنند، بديهى است كه با اين ابزار، مى توان ريشه هاى فساد را خشكاند، و نابود كرد و براى مردم محيط سالم به وجود آورد».

## شرايط امر به معروف و نهى از منكر:

البته بايد توجه داشت كه اين كار واجب داراى شرائطى است كه بايد به آنها توجه كرد.اينها عبارتند از:

١ - شخص بايد معروف و منكر را بخوبى بشناسد تا بتواند درباره او دستورى صادر كند. در اين صورت كارى كه انسان نمى داند انجامش واجب و يا حرام است نمى تواند نسبت به آن امر و يا نهى كند.

٢ - احتمال بدهد كه نصيحت او اثر بخش است و اگر مطمئن باشد كه اثرى ندارد واجب نيست .

٣ - شخص گنهكار و قانون شكن اصرار به تكرار آن عمل داشته باشد و اگر كسى يقين كند كه ديگر تكرار نخواهد كرد لازم نيست به او امر يا نهى كند.

٤ - امر به معروف و نهى از منكر، سبب ضرر جانى يا آبروئى براى خود او و يا ديگرى نباشد.

## مراحل امر به معروف و نهى از منكر:

امر به معروف و نهى از منكر داراى مراحلى است كه اگر مقصود و هدف انسان در مرحله اول تاءمين شود ديگر نوبت به مرحله بعد نمى رسد. اين مراحل عبارتند از:

١ - گنهكار با بى توجهى و بى اعتنائى ديگران نسبت به او آگاه شود و كار خود را ترك كند.

٢ - با نصيحت و پند و اندرز دست از كار زشت خود بردارد.

٣ - با او برخورد قانونى شود و بر اساس مقررات شرعى و اجتماعى مجازات گردد و اين مجازات بايد توسط محاكم قضايى انجام بگيرد نه آنكه هر كس خودش اقدام كند.

كسى كه مى خواهد امر به معروف و نهى از منكر كند بايد دلسوزانه عمل نمايد و مراقب باشد كه در حضور ديگران گنهكار را سرزنش نكند، قصد و هدف خود را براى رضايت خداوند خالص گرداند و كار را براى خدا انجام دهد نه آنكه از روى انتقام يا ناراحتى و نارضايتى از مجرم باشد، چه بسا گنهكارى كه خطائى از او سرزده داراى كارهاى خوبى است كه مورد محبت و لطف خداست و تنها اين كار او سبب نارضايتى و خشم خداوند مى باشد.

## به پرسشهاى زير پاسخ دهيد:

١ - چرا حج واجب شده است ؟

٢ - حج بر چه كسانى واجب است ؟

٣ - آيا بجاى حج مى توان كارهاى خير ديگرى كرد؟

٤ - امر به معروف و نهى از منكر واجب است يا مستحب ؟

٥ - شرائط امر به معروف و نهى از منكر چگونه است ؟

٦ - آيا هر كسى مى تواند گنهكار و مجرم را مجازات كند؟

٧ - در ابتدا با شخصى كه خطائى از او سر زده چه بايد كرد؟

# درس دهم : جهاد و دفاع در اسلام

با اينكه اسلام پذيرش و گرايش به سوى آئين توحيد را يك پاسخگويى به نداى درون و فطرت دانسته و رسول خدا فرموده هر نوزادى كه قدم به جهان مى گذارد با فطرت توحيد و يكتا پرستى متولد مى شود و قرآن در اين راستا مى فرمايد:( فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًافِطْرَتَ اللَّـهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ.)

«چهره خود را متوجه آئين پاكى كن كه فطرت همه انسان ها بر اساس آن بنيان گذارى شده است ».

و پيامبر اسلام باز فرمود:كل مولود يولد على الفطرة

«هر نوزادى بر اساس فطرت اسلام به دنيا آمده ».

با همه اين وجود، اسلام همه را در پذيرش دين آزاد گذاشته و هيچكس را ناگزير به پذيرش آن نساخته است ولى به هيچ كس اجازه نداده كه جلو گسترش و پيشرفت اسلام را به شكلى بگيرد.

اسلام با كسانى كه در انديشه توطئه و خيانت و تشكيل پيمانهاى نظامى و اقتصادى وسياسى عليه اسلام اند برخورد مى كند و با آنها وارد جنگ مى شود تا توطئه ها را خنثى سازد از اين رو، كليه جنگهائى كه اسلام چه بصورت غزوات كه خود پيامبر در آن شركت داشته و چه سرايا و جنگهاى كوچك منطقه اى كه پيامبر حضور نداشته همگى جنبه تدافعى داشته نه تهاجمى يعنى اسلام خواسته كه جلو شيطنتها و توطئه ها را بگيرد نه آنكه با كشورى وارد جنگ شود تا آنها را ناگزير به پذيرش اسلام سازد از اين رو مى بينم كه جنگهاى اسلام و حمله به ايران صرفا براى جلوگيرى از به هم پيوستگى سپاه ايران و روم بوده كه مى خواسته اند با پيمان خود، اسلام را محاصره كنند و آن را نابود سازند و از طرفى قوانينى را در ايران آن روز، به نفع توده مرفه خوشگذران بوده و طبقه هاى ديگر از مزاياى انسانى محروم بوده اند. مانند آنكه تحصيل و استخدام دولتى ، مربوط به شاهزادگان و موبدزادگان بود و فرزندان كشاورزان و كارگران اين حق را نداشته اند ولى پس از تسلط حكومت اسلامى بر ايران ، تمام اين امتيازات لغو گرديد.

## دفاع

دفاع حق همه مسلمانان در همه زمانها و مكانهاست و در هر منطقه اى كه دشمن بخواهد به كشورهاى اسلامى و حريم اسلام تجاوز نمايد بر هر زن و مرد لازم است كه به مبارزه برخاسته و از دادن جان و مال ، دريغ نورزند.

بديهى است كه فرق نمى كند كه دفاع از اسلام و مرزهاى اسلامى باشد و يا دفاع از حقوق شخصى افراد.

همانطور كه بايد به تجاوزگران مرزهاى اسلامى حمله كرد به كسانى هم كه دزد مال و ناموس انسانند بايد حمله نمود و جلو آنها را بايد گرفت هر چند كه پيامدش مرگ مهاجم باشد.

و همانطور كسى كه به خانه مردم نگاه مى كند و ناموس مردم را مورد تجاوز خود قرار مى دهد و حريم آنها را مى شكند بايد از او جلوگيرى كرد، بخاطر توجه به مساءله دفاع است كه اسلام خدمت نظام وظيفه و آموزش دوره نظامى و آگاهى به رمز و راز و فنون آن را بر همه كسانى كه توان دارند لازم مى شمرد. حتى امام خمينى براى رفتن به خدمت نظام اجازه پدر و مادر را لازم نمى داند.

## به پرسشها پاسخ دهيد:

١ - تفاوت جهاد و دفاع چيست ؟

٢ - دفاع از مكتب دشمن چيست ؟ آن را توضيح داده و مثال بزنيد

٣ - اگر دشمن به كشورهاى اسلامى حمله كند وظيفه مسلمانان چيست ؟

٤ - آيا اگر دفاع منجر به قتل مهاجم شود بايد اقدام كرد؟

# درس یازدهم : خريد و فروش

داد و ستد يكى از كارهايى است كه از دوران بسيار دور، بين مردم رواج و رونق داشته و امروز عده زيادى به شغل تجارت و معامله مشغولند در اسلام براى اين كه انسان به معاملات حرام آلوده نشود لازم است احكام معاملات بمقدارى كه مورد نياز است بداند زيرا اگر انسان نداند معامله اى كه انجام داده صحيح است يا باطل ، نمى تواند در مالى كه گرفته تصرف نمايد ولى اگر در موقع معامله احكام را مى دانسته ولى پس از معامله در صحت آن شك كند معامله صحيح و تصرف در آن بلا اشكال است .

معاملات به پنج دسته تقسيم مى شود:

## ١ - معامله واجب :

و آن وقتى است كه براى تحصيل مخارج زندگى هيچ راهى بجز معامله نداشته باشد در اين صورت واجب است كه شخص مخارج زندگى خود را از اين راه به دست بياورد.

## ٢ - معامله حرام :

و آن معاملاتى است كه اسلام آنها را حرام دانسته است .مثل خريد و فروش چيزهاى نجس از قبيل مشروبات الكلى ، گوشت خوك و يا مردار و يا خون و مواد مخدر و غيره .

و يا خريد و فروش چيزهايى كه از راه دزدى به دست آمده و يا چيزهائى كه منافع حرام بدنبال دارد مثل ابزار قمار يا خريد و فروش كتابهائى كه سبب گمراهى و انحراف مردم مى شود، بديهى است همانطور كه فروش بستنى فاسد و مسموم به مردم ، حرام است . فروش كتابها و فيلمها و نوارهاى مسموم و انحراف آميز هم حرام است بلكه اينها از مواد غذايى مسموم ، بمراتب بدتر است ، زيرا مواد غذايى مسموم ، جسم را فاسد و خراب مى كند ولى كتابها و فيلمهاى مبتذل روح و روان انسانها را به انحراف مى كشاند و بديهى است كه انحرافات روحى و روانى به مراتب زيان بارتر از فساد جسمى است چون در مسموميتهاى جسمى خداوند دستگاه گوارش را طورى آفريده كه واكنش از خود نشان مى دهند و انسان با اسهال و يا استفراغ مواد سمى را دفع مى كند در اين صورت در مسموميتهاى جسمى بهبودى چندان مشكل نيست ولى در بهبودى روانى و روحى بسيار مشكل و طاقت فرسا است .

## ٣ - معاملات مستحب :

معاملاتى است كه براى توسعه زندگى خانواده و سود رسانى به ساير مسلمانان انجام مى پذيرد مثل زراعت و كشاورزى كه هم به خانواده كمك مى شود وهم به ديگران

## ٤ - معاملات مكروه :

و آن معاملاتى است كه بتدريج موجب قساوت قلب و سنگدلى مى گردد و يا تمايل برانگيز نيست و توده مردم آنها را نمى پسندند. مثل كفن فروشى و يا معامله با افراد پست و فرومايه .

## ٥ - معاملات مباح :

و آن معاملاتى است كه از طرف شرع دستور خاصى نرسيده است مثل فروش دو جنس با هم و گرفتن زيادى مانند اين كه يك من برنج را به دو من گندم بفروشد.

## ربا در معامله :

يكى از چيزهايى كه در اسلام از او به زشتى ياد شده و سبب بطلان معامله مى شود ربا است . ربا يعنى زيادى گرفتن و براى تحقق اين امر سه شرط دارد:

الف - آنكه در معامله يك طرف بيشتر از طرف مقابل بگيرد.

ب - دو جنسى كه با هم مبادله مى كنند بايد از يك جنس باشند مثل اين كه يك من گندم به دو من گندم بفروشد ولى اگر از دو جنس باشند ربا به وجود نمى آيد مثل اينكه يك من برنج به دو من گندم بفروشد.

ج - آنكه عوضين از اجناس كيلى يا وزنى باشند.

## شرايط خريدار و فروشنده :

براى خريدار و فروشنده شش شرط است كه بايد رعايت شود

١ - هر دو بالغ باشند و قدرت تشخيص نفع و ضرر خود را بدهند.

٢ - عاقل باشند.

٣ - حاكم شرع آنها را از تصرف در اموال خودشان منع نكرده باشد.

٤ - قصد خريد و فروش داشته باشند.

٥ - كسى آنها را مجبور نكرده باشد

٦ - چيزى را كه مى خواهند بفروشند مالك آن باشند و يا حداقل اجاره فروش آن را داشته باشند.

## مواردى كه مى توان معامله را به هم زد:

١ - جايى كه خريدار و فروشنده كه با هم معامله كرده اند، از هم جدا نشده باشند (خيار مجلس)

٢ - آن كه هر يك از طرفين مغبون شده باشد (خيار غبن)

٣ - طرفين قرار داد كنند كه بكلى يا تا مدتى معين حق فسخ معامله را داشته باشند (خيار شرط).

٤ - فروشنده يا خريدار مال خود را بهتر از آنچه هست نشان دهد(خيار تدليس)

٥ - خريدار يا فروشنده شرط كنند كه كارى انجام دهند ولى به آن شرط عمل نكنند (خيار تخلف شرط).

٦ - در جنس و يا عوض آن عيبى باشد (خيار عيب)

٧ - معلوم شود مقدارى از جنسى را كه فروخته اند مال ديگرى است و طرف راضى نيست (خيار شركت)

٨ - فروشنده خصوصياتى از جنس خود بگويد كه مشترى نديده و بعد معلوم شود چنين نبوده (خيار رؤ يت)

٩ - مشترى قيمت كالا را كه نقد خريده تا سه روز ندهد و فروشنده هم جنس را تحويل ندهد و شرطى هم در اين باره نكرده باشند(خيار تاءخير)

١٠ - حيوانى را خريده باشد كه خريدار تا سه روز مى تواند معامله را فسخ كند(خيار حيوان)

١١ - فروشنده نتواند جنس را كه فروخته تحويل دهد(خيار تعذر تسليم)

## به پرسشهاى زير پاسخ دهيد:

١- خريد و فروش اشياء نجس چه صورت دارد؟

٢- خريد وفروش ابزار قمار چگونه است ؟

٣- در چه صورت مى توان معامله را فسخ نمود؟سه مورد را ذكر كنيد.

٤- در چه صورت خريد و فروش مباح است ؟

٥- ربا يعنى چه ؟آن را توضيح داده و براى آن مثالى بزنيد.

# درس دوازدهم : اجاره

ملكى كه انسان در اختيار دارد مى تواند به ديگرى اجاره دهد مثلا بگويد ملك خود را به تو اجاره دادم و او بگويد قبول كردم در اجاره شرائطى است كه بايد به آنها توجه كرد.

١ - مال مورد اجاره بايد معين باشد در اين صورت اگر بگويد يكى از مغازه هاى خود را به تو اجاره دادم و معين نكند صحيح نيست .

٢ - مستاءجر بايد ملك مورد اجاره را ببيند يا بگونه اى خصوصيات آن را بيان كند كه كاملا معلوم باشد.

٣ - چيزى نباشد كه با تصرف آن از بين برود پس اجاره ميوه ونان يا خوراكيها صحيح نيست .

٤ - در اجاره بايد مدت اجاره ، معين باشد مثلا يكسال يا بيشتر.

٥ - اگر مستاءجر ملكى را اجاره كند ولى از او استفاده ننمايد بايد مبلغ مورد اجاره را به مالك پرداخت نمايد.

٦ - اگر منزلى با پرداخت وديعه اجاره كند نبايد وديعه با حساب درصد و از اجاره كم كند.مثلا خانه اى را اجاره كند ماهيانه به مبلغ صدهزار تومان و دو ميليون تومان پول به مالك بدهد از قرار هر ميليون در ماه سى هزار تومان و مجموع شصت هزار تومان بابت پول وديعه و چهل هزار تومان هر ماه هم پول بدهد.اين عمل ربا است و حرام است .بلكه بايد مبلغ دو ميليون تومان بابت قرض الحسنه بدهد و اجاره ماهى چهل هزار تومان حساب كند كه به اين اجاره مشروطه به قرض مى گويند

## سرقفلى

سرقفلى به پولى گفته مى شود كه به شخص ديگرى بدهد تا خانه يا مغازه اى كه در اجاره اوست به وى واگذار كند در اينصورت شخصى كه مدت اجاره اش تمام شده حق ندارد از صاحب ملك پولى دريافت كند تا مغازه را تخليه نمايد.

مساءله : اگر محلى از شخصى اجاره كرده و حق واگذارى به غير را نداشته باشد نمى تواند به ديگرى اجاره دهد و يا سرقفلى بگيرد.

مساءله : اگر محلى را از كسى اجاره كرده و حق داشته باشد كه آن را به ديگرى اجاره دهد و مدتى كه استفاده كرده ملك ترقى نموده مى تواند آن محل را به ديگرى به همان مبلغ اجاره دهد و سرقفلى را بگيرد.

مساءله : اگر شخصى ملكى را به كسى اجاره داد و سرقفلى هم نگرفته و با مستاءجر شرط كرده كه حق واگذارى و يا گرفتن سرقفلى را ندارد مستاءجر نمى تواند سرقفلى بگيرد يا جاى خود را به شخص ثالثى اجاره دهد.

## قرض

قرض دادن به مسلمان و گره گشايى از كار ديگران اجر فراوانى دارد و در آيات قرآنى و احاديث و روايات اسلامى به آن سفارش شده است كه به كسانى كه گرفتارند قرض دهيم و با گرفتن وثيقه در مدت معين ، آن را وصول نمائيم همانطور كه قرض دادن اجر و ثواب دارد شخص قرض گيرنده هم موظف است با فرا رسيدن زمان بدهى خود بدون هيچ عذرى آنرا بپردازد.

قرض دادن به دو صورت است

الف - قرض مدت دار كه در آن قيد شده كه بدهكار در چه مدت بدهى خود را بپردازد.

ب - قرض بدون مدت كه در آن زمان پرداخت قيد نشده است در قرض مدت دار يكبار طلبكار حق ندارد قبل از فرا رسيدن موعد طلب خود را مطالبه نمايد ولى در قرض بدون مدت ، طلبكار هر زمانى مى تواند طلب خود را درخواست نمايد در قرض ، طلبكار به هيچ وجه حق ندارد مازاد بر طلب خود را مطالبه كند ولى اگر بدهكار بدون شرط قبلى و درخواست طلبكار مقدارى اضافه بر بدهى خود بپردازد. در اين صورت اين مقدار اضافى بلااشكال است بلكه اين كار استحباب دارد زيرا راهى است براى تشويق ديگران به قرض دادن بدون ربا.

## امانتدارى

اگر كسى امانت ديگرى را به او بسپرد و او بپذيرد و قبول كند بايد در حفظ آن بكوشد.

## حكم امانتدارى

١ - كسى كه نمى تواند امانت ديگران را حفظ كند نبايد آن را قبول نمايد.

٢ - كسى كه امانت را مى پذيرد بايد جاى مناسبى براى نگهدارى آن در نظر بگيرد و طورى باشد كه مردم نگويند در امانت خيانت و يا در نگهدارى آن كوتاهى كرده است .

٣ - اگر امانت سرقت شود و از بين برود در صورتى كه در نگهدارى آن كوتاهى كرده باشد بايد عوض آن را به صاحبش ‍ بپردازد ولى اگر كوتاهى نكرده و از بين رفته ملزم به پرداخت آن نيست ولى بهتر است عوض آن را بپردازد.

## به پرسشهاى زير پاسخ دهيد:

١ - اجاره را تعريف كنيد و براى آن مثالى بزنيد.

٢ - آيا ملك ديگرى بدون رضايت صاحبش مى توان اجاره داد؟

٣ - آيا اضافه گرفتن در قرض با شرط قبلى صحيح است ؟

٤ - در قرض بى مدت قرض دهنده چه وقت مى تواند تقاضاى پرداخت مال خود را كند؟

٥ - اگر امانت تلف شود حكم آن چيست ؟

٦ - سرقفلى يعنى چه ؟

٧ - در چه موقعى مى تواند شخص سرقفلى را بگيرد؟

# درس سیزدهم: ازدواج

هر موجودى براى ادامه نسل و زندگى خود نياز به قانون تركيب و ازدواج دارد.

انسان كه عالى ترين نمونه خلقت است ، پس از رسيدن به سن بلوغ و شكوفا شدن غرائزش ، نياز به ازدواج دارد تا بتواند در سايه آن غريزه خود را معتدل ساخته و در كنار تشكيل خانواده و انتخاب همسر از اضطراب درونى خود بكاهد و با آرامش زندگى كند.

در دوران بلوغ كه دوران آشفتگى و ناآرامى است ، رها شدن پسران و دختران و زندگى در كنار هم ، بسيار خطرناك است .در اين دوران انواع فريبها، و دروغ پردازيها آغاز مى شود و جوان اصولا به آينده پرمخاطره خود نمى انديشد زيرا طغيان و سركشى شهوت ، ديده درك و عقل وى را از بين مى برد و تنها به آنچه جوان مى انديشد تخليه خود از نيروى غريزه جنسى است .

اينجاست كه بايد پدران و مادران مراقب اين دوره بحران باشند واز فرزندان خود مانند يك باغبان دلسوز از شكوفه هاى خود مراقبت كنند و در عين حال كه زياد سخت نگيرند آنها را هم بحال خود رها نسازند.

قرآن براى تشكيل خانواده دو تعبير زيبا دارد:

از يك طرف زن و شوهر را مانند لباس براى هم مى داند و مى فرمايد: «زنان براى شما بمنزله لباسند و شماهم براى آنها به منزله لباسيد».

مى دانيم كه لباس براى انسان جنبه حفاظت ونگهدارى از سرما و گرما و خطرها دارد، علاوه كه لباس ، موجب آبرومندى و عزت و احترام انسان است .اكنون زن و مرد نسبت به يكديگر نقش حفاظت و نگهدارى از حوادث و خطرها و لغزشها را دارند چنانكه تحقيقا موجب حفظ آبروى يكديگر در انظار و عدم بروز بدنامى خواهند بود.

و از طرف ديگر قرآن درباره فلسفه ازدواج و تشكيل خانواده مى فرمايد: «ازدواج براى آن است كه به شما آرامش و راحتى دهد و شما از تشكيل خانواده و انتخاب همسر لذت بريد».

حال جوانان راى روح ناآرام خود بينديشند و با كنار گذاشتن توقعات بى جا و شرائط طاقت فرسا با توجه به سادگى و واقع نگرى به اين پيوند مقدس روى آورند و زندگى سالمى را آغاز نمايند تا از گسترش فساد و انحراف و اعتياد خانمانسوز جلوگيرى كنند.

## محرم و نامحرم :

كسى كه نگاه كردن به آنها جايز است محارم و آن ها كه نگاه به آن ها حرام است و جايز نيست نامحرمند.

اين افراد بر پسرها و مردان محرم هستند:

١ - مادر و مادر بزرگ

٢ - دختر و دختر فرزند

٣ - خواهر و خواهر زاده

٤ - دختر برادر و برادرزاده

٥ - عمه (خواهر پدر) و عمه پدر و يا مادر

٦ - خاله (خواهر مادر) و خاله پدر و مادر

و همچنين كسانى كه از طريق ازدواج محرمند مانند:

١ - مادر زن و مادر بزرگ او

٢ - دختر زن هر چند دختر خودش نباشد مانند آن كه انسان زنى را به همسرى خود انتخاب كند كه از شوهر قبلى خود دخترى داشته باشد.

٣ - زن پدر(نامادرى)

٤ - زن پسر

غير از اين زنانى كه نام برده شد نامحرمند و نگاه كردن به آنها چه از روى لذت باشد يا نباشد جايز نيست .

## اين افراد بر دختران و زنان محرمند:

الف - محارم سببى :

١ - پدر و پدر بزرگ

٢ - پسر و فرزندان پسر

٣ - برادر

٤ - خواهرزاده

٥ - برادرزاده

٦ - عمو(عموى خود وعموى پدر يامادر)

٧ - دايى ، (دايى خود و دايى پدر يا مادر)

ب - محارم نسبى كه از طريق ازدواج بر دخترها و زنان محرم مى شوند و اينها عبارتنداز:

١ - شوهر

٢- پدر شوهر و پدربزرگ شوهر

٣ - پسر شوهر وقتى كه همسر ديگرى داشته باشد

٤ - شوهر مادر

٥ - شوهر دختر كه داماد ناميده مى شود

## همسران شايسته :

معيارها در انتخاب همسران شايسته چه مرد باشد و چه زن مختلف و متفاوت است گاهى معيار تحصيل است گاهى ثروت و گاهى مقامهاى اجتماعى ولى اسلام بهترين معيار براى انتخاب راپاكى و پاكدامنى و راستى و صداقت مى داند و پيامبر مى فرمايد سعى كنيد كه همسران پاكدامن و با عفت انتخاب كنيد. زيرا معيارى هاى مادى مانند زيبايى ، ثروت ، مقام و غيره همه ازبين رفته اند ولى معيار و ارزش معنوى مانند پاكدامنى و راستى خوش خلقى از بين رفتنى نيست و بنيان و اساس ازدواج عميق و ريشه دار خواهد بود كه با وزيدن نسيم مسموم از هم گسيخته نمى شود.

## عقد ازدواج :

مى دانيم كه انتخاب همسر از طريق قانون را به آن رابطه قانونى مى گوييم و اگر عقد و قراردادى در كار نباشد رابطه غير قانونى است و عمل نامشروع است زيرا كسى كه كار قانونى نمى كند مى خواهد به شكلى براى خود راه فرار بگذارد واز خود سلب مسؤ ليت كند ولى انسان متمدن و آگاه سعى مى كند تمام كارهاى خود را قانونى كند تا با آرامش خاطر، به زندگى ادامه دهد. بديهى است كه كار قاچاق و غير قانونى و گريز از قانون ، هميشه اضطراب و ناراحتى و نگرانى بدنبال دارد وبا تشكيل خانواده غير قانونى نه تنها انسان به آرامش دسترسى پيدا نمى كند بلكه هر روز به افسردگى و نگرانى او افزوده مى شود درست مانند دو مسافرى كه مى خواهند با هم به خارج از كشور مسافرت كنند. بديهى است مسافرى كه پاسپورت و جواز عبور از مرز را دارد هيچگونه نگرانى در خود احساس نمى كند ولى مسافرى كه مى خواهد بدون گذرنامه سفر كند پيوسته نگران است و هر لحظه در انتظار اين است كه در چنگال پليس گرفتار شود و به زندان بيفتد.

پس قواله ازدواج براى زن و شوهر به منزله داشتن گذرنامه عبور از مرز ازدواج است كه مرزبانان ، مزاحم او نخواهند بود.

عقد ازدواج به دو صورت انجام مى پذيرد:

١ - عقد ازدواج دائم كه بطور دائم قرارداد منعقد مى شود. و براى يك زندگى مشترك هميشگى است .

٢ - عقد ازدواج موقت كه براى زمانى محدود مثلا يك سال يا يك ماه يا بيشتر و كمتر قرارداد منعقد ميشود كه هر كدام شرائط ويژه خود را دارد.

## به پرسشهاى زير پاسخ دهيد:

١ - معيار در انتخاب همسر از نظر اسلام چيست ؟

٢ - تعبير زيباى قرآن براى انتخاب همسر چيست ؟

٣ - محرم و نامحرم يعنى چه ؟ آنها را تعريف كنيد وبراى آنها مثالى بزنيد.

٤ - عقد ازدواج يعنى چه ؟

٥ - فرق ازدواج دائم با موقت چيست ؟

# درس چهاردهم : غصب - نذر- عهد- سوگند- وصيت و ارث

غصب عبارت از تسلط انسان بر مال يا حق كسى از راه تجاوز و ظلم است . غصب يكى از گناهان بزرگى است كه در قيامت كيفر سختى بدنبال دارد. اگر انسان چيزى را از كسى غصب كند بايد به صاحب و مالك او برگرداند واگر تلف شود بايد عوض آنرا بدهد و اگر شى ء مورد غصب سود و منفعتى داشته باشد آن سود و منفعت مربوط به مالك است مثل گوسفندى كه بزايد و ياشير دهد.

مساءله - اگر طلايى دزديده و بعد زرگر تبديل به گوشواره كند و مالك همان را بخواهد بايد بدهد و حق مزد ساخت را ندارد.

مساءله - اگر در زمين غصبى زراعت كند يا درخت بكارد و يا ساختمانى كند سود آنها مربوط به مالك است و چنانچه مالك زمين بخواهد ملكش را بصورت اول بازگرداند بايد درختها را بيرون آورد و يا ساختمان را تخريب نمايند و به مالك آن برگردانند. از اين رو كسى كه لباسى را غصب كرده و يا زمينى را از مالك به زور گرفته نمى تواند با آن لباس ‍ يا در آن زمين نماز بخواند.

## نذر وعهد وقسم خوردن

نذر عبارت است از آن است كه بر خود واجب كند كه كار خيرى را انجام دهد يا كارى را كه نكردن آن بهتر است ترك نمايد. در نذر لازم است كه صيغه نذر را بخواند ولازم نيست به عربى باشد. در اين صورت اگر بگويد چنانچه مريض ‍ من خوب شود براى خدا بر من لازم است كه صدتومان به فقير بدهم نذر او صحيح است زن شوهر دار نمى تواند بدون اجازه شوهر چيزى را نذر كند هر چند مالى را كه مى خواهد بدهد مربوط به خودش باشد نه شوهر.

انسانى كه نذر مى كند بايد آن را انجام دهد و اگر انجام ندهد بايد كفاره بدهد بدين صورت كه يا به شصت فقير غذا دهد و يا دو ماه پى در پى روزه بگيرد

عهد هم مانند نذر است و بايد صيغه عهد بخواند و لازم نيست به عربى باشد بلكه اگر بگويد با خدا پيمان مى بندم كه اگر كارم دست شود ده نفر مستمند را غذا دهم كافى است و بايد به عهد خود عمل كند و چنانچه نكند بايد مانند نذر كفاره بدهد.

قسم هم مانند نذر و عهد است كه بايد بصورت سوگند باشد در اين صورت شخص سوگند خورده بايد به سوگند خود عمل كند و اگر تخلف نمايد كفاره دارد كه يا ده فقير را غذا دهد يا آنها را بپوشاند و اگر اينها را نتواند سه روز روزه بگيرد.

قسم چنين است كه شخص مثلا قسم بخورد كه دخانيات را استمال نكند در اين صورت اگر مخالفت كرد و استعمال نمود، بر او واجب است كه به سوگند خود عمل كند بايد دانست كه شوهر نمى تواند از قسم خوردن زن جلوگيرى كند و پدر از قسم خوردن فرزند خود.

## وصيت

وصيت آن است كه انسان سفارش كند كه بعد از مرگش براى او كارهايى انجام دهند يا بخشى از اموالش را به كسى بدهند ولى اگر شخص مالكيت آن را رد كند و نپذيرد ملك به ساير ورثه مى رسد. وصيت لازم نيست كتبا و يا بصورت سند نوشته شود بلكه اگر بطور شفاهى براى فرزندان و دوستان بگويد كافى است ، ولى بهتر آن است كه مكتوب باشد و ورثه و يا دوستان آن را امضاء و تاءييد كنند.

شخص مسلمان نمى تواند فرزندان و يا فرزندى را از ارث محروم كند و يا مازاد و بيشتر از ثلث مال وصيت نمايد و اگر چنين كارى كند وصيت او نافذ نيست .در وصيت سه عامل وجود دارد يكى موصى كه وصيت كننده است و ديگرى وصى كه براى انجام وصيتش معين مى كند و ديگر موصى له ؛يعنى راه مصرفى كه براى آن معين كرده است .بايد توجه داشت كه اگر مال مورد وصيت در دست وصى تلف شود و او در نگهداريش كوتاهى كرده باشد بايد عوض آن رابدهد.

## ارث

شخصى كه مى ميرد و مالى را از خود باقى مى گذارد ارث مى گويند و كسانى كه از ثروت بجا مانده ارث مى برند وراث هستند كه به سه طبقه تقسيم مى شوند و اگر از هر طبقه حتى يك نفر وجود داشته باشد نوبت به طبقه بعدى نمى رسد.

دسته اول

پدر و مادر و فرزندان ميت هستند و با نبود اولاد، اولاد اولاد جايگزين مى شود.

دسته دوم

پدر بزرگ و مادر بزرگ و خواهر و برادر و با نبود خواهر و برادر فرزندان ايشان جايگزين مى شوند.

دسته سوم

عمو و عمه دائى وخاله و يا فرزندان آن ها مى باشد.

مساءله - اگر زنى بميرد و اولاد نداشته باشد نصف همه مال را شوهر ونصف ديگر را ورثه مى برند و اگر از آن شوهر و يا از شوهر ديگر اولاد بقيه را داشته باشد يك چهارم اموال را شوهر و بقيه را ورثه ديگر مى برند و اگر مردى بميرد و اولاد نداشته باشد يك چهارم مال را زن و بقيه را ورثه ديگر مى برند و اگر از آن زن يا از زن ديگر اولاد داشته باشد يك هشتم مال را زن و بقيه را ورثه ديگر مى برند

مساءله - مسلمان از كافر ارث مى برد ولى كافر اگر چه پدر يا پسر ميت باشد ارث نمى برد.

مساءله - اگر كسى يكى از خويشان خود را مثلا پدر و يا مادر را به ناحق بكشد از او ارث نمى برد.

مساءله - اگر ميت قرض داشته باشد يا ثلث مالش را وصيت كرده باشد اول بدهى او و يا ثلث مال را خارج مى كنند سپس اموال را تقسيم مى نمايند.

مساءله - اگر زن حامله باشد و شوهرش بمیرد سهم پسر و يا دخترى كه در رحم دارد بايد در نظر گرفته شود بدين ترتيب كه به اندازه سهم دو پسر را كنار بگذارند تا وقتى كه وضع حمل كند وتكليف او روشن شود كه آيا پسر است يا دختر، يكى است يا دو تا و سهم او را طبق قانون ارث مى دهند و اگر مازادى بود مربوط به همه ورثه است كه پس از تولد به او برسد، مادر ولى نيست ممكن است قيم باشد.

بعضى از مردم اين سؤ ال در ذهنشان است كه چرا پسر بايد دو برابر دختر ارث ببرد و فكر مى كنند اين حكم ظالمانه است در پاسخ بايد دانست كه اين دستور عادلانه است نه ظالمانه زيرا دختر به خانه شوهر مى رود و مخارج او از غذا و پوشاك و مسكن به عهده شوهرش مى باشد ولى پسر براى تشكيل و اداره خانواده ، نياز به مخارج بيشترى دارد و بار مسؤ ليت خانواده به دوش اوست .

## به پرسشهاى زير پاسخ دهيد:

١ - غصب يعنى چه ؟

٢ - آيا كار كردن بر روى زمين غصبى منافع آن مربوط به مالك است ؟

٣ - آيا نذر و عهد نياز به خواندن صيغه دارند؟

٤ - آيا صيغه نذر بايد به زبان عربى ادا شود؟

٥ - در سوگند چگونه بايد قسم خورد؟

٦ - آيا وصيت بيش از ثلث نافذ است ؟

٧ - آيا پدر و يا مادر مى توانند فرزند خود را از ارث محروم كنند؟

٨ - چرا ارث پسر دو برابر دختر است ؟

# درس پانزدهم : معاملات بانكى

كليه معاملات بانكى چه بصورت قرض يا مشاركت و يا مضاربه و يا فروش اقساطى اگر بصورت شرعى باشد جايز است .سپرده هاى بانكى كه مالك اجازه تصرف مى دهد بانك مى تواند در آن ها تصرف كند و به جريان بيندازد.

و اگر بانك پولى را به صاحب حساب قرض دهد حق گرفتن سود پول را ندارد ولى مى تواند بابت كارمزد كارمندان خود اضافه بر مبلغى را كه قرض داده بگيرد. و همچنين اگر مطابق يكى از قراردادهاى اقتصادى اسلام پول را دريافت كند و سود بدهد اشكال ندارد.بعضى از بزرگان راجع به كارمزد فرموده اند: فرق است كه صندوق و بانك بعنوان وكالت از اشخاص پول آنان را وام دهد يا اين كه وام مربوط به خود صندوق باشد. در صورت اول عيبى ندارد و در صورت دوم جايز نيست .

مساءله - جايزه هايى كه بانكها براى تشويق به افراد مى دهند و يا مؤ سسات ديگر بصورت قرعه كشى مى دهند جايز و حلال است و يا چيزهايى كه بعضى از فروشنده ها در لاى جنسهاى خود مى گذارند تا با اين كار بر فروش خود بيفزايند مثل گذاشتن سكه در قوطيهاى روغن و غيره حلال و بلااشكال است .

مساءله - حواله هاى بانكى يا تجارى كه پول اضافى از طرف مى گيرند اشكال ندارد. مثلا بانك و يا تاجرى پولى از كسى مى گيرد و در محل ديگرى حواله پرداخت صادر مى كند و در مقابل اين كار مزدى از حواله گيرنده مى گيرد مانعى ندارد.

مساءله - بانكهاى رهنى و غير آنها اگر قرض بدهند و با قرار نفع در برابرش چيزى را رهن بگيرند كه در وقت معين اگر بدهكار بدهى خود را نپرداخت بفروشند و بردارند اين قرض باطل و حرام و رهن صحيح نيست وبانك نمى تواند آنرا بفروشند.

ولى اگر قرار نفع نباشد و حق الزحمه بگيرد و در مقابل قرض در رهن بگيرد مانعى ندارد و مى تواند آن را بفروشد.

و نيز اگر بصورت فروش اقساطى باشد بدين صورت كه نقدا مى خرد و با اقساط چندساله با قيمت بيشتر مى فروشند مانعى ندارد و صحيح است .

## بليط بخت آزمايى

بليطهاى بخت آزمايى كه به مبلغى ميعن مى فروشند و پس از آن به قيد قرعه مبلغى به خريدار مى دهند باطل است و جايز نيست وپولى كه بابت آن مى گيرند حرام است و گيرنده ضامن است .

مساءله - فرقى نيست در حرام بودن پول بليط بين آنكه بليط را بخرند يا بليط را بگيرند و پولى را بدهند به اميد آن كه قرعه به اسم آنها بيرون بيايد در هر دو صورت پول بليط حرام است .

مساءله - ولى اگر يك شركت و يا مؤ سسه مثل سازمان بهزيستى كشور براى جمع آورى كمك و اعانات براى بيمارستانها يا معلولين بليطهايى منشتر كند و مردم هم بخاطر كمك به اين مؤ سسات مبلغى را بدهند و آن شركت يا سازمان از بودجه خود يا از پول اعانات با اجازه دهندگان مبلغى را بصورت قرعه به اشخاص بدهد مانعى ندارد، زيرا مردم اين بليطها را بعنوان كمك و شركت در يك امر خير و پسنديده تهيه مى كنند. و هدفشان شركت در قرعه كشى وبرنده شدن نيست تا حرام شود.

## بيمه

بيمه قرارداد و عقدى است بين بيمه كننده و مؤ سسه و شركت و يا شخصى كه بيمه را مى پذيرد و اين عقد مثل ساير عقدها محتاج به ايجاب و قبول است ودر بيمه علاوه بر شرايطى كه در ساير عقود است مثل بلوغ و عقل و اختيار و غيره چند شرط ديگر هم دارد كه عبارتند از:

١ - تعيين مورد بيمه كه فلان شخس است يا فلان مغازه يا كشتى و يا اتومبيل يا هواپيما و غيره .

٢ - تعيين دو طرف عقد كه اشخاص هستند يا مؤ سسات و شركتها و يا دولتها.

٣ - تعيين مبلغى كه بايد بپردازند

٤ - تعيين اقساطى كه بايد بپردازد و تعيين زمان پرداخت .

٥ - تعيين زمان بيمه كه از اول فلان ماه است يا سال

٦ - تعيين راههايى كه موجب خسارت مى شود مثل حريق يا غرق يا سرقت و غيره .

مساءله - در قرار داد بيمه لازم نيست ميزان خسارت تعيين شود. در اين صورت اگر قرار بر اين بگذارند كه هر مقدار خسارت كه وارد شد جبران كنند صحيح است .

مساءله - صورت عقد بيمه به صورتهاى مختلفى انجام مى پذيرد مثلا بيمه شونده مى گويد بعهده من فلان مقدار است كه در فلان زمان از قرار ماهى فلان مقدار بدهم و در مقابل هر خسارتى كه به مغازه من از طريق آتش سوزى و يا سرقت كه وارد شود جبران نماييد و طرف قبول كند.

مساءله - اقسام بيمه ها با شرايطى كه بيان شد چه بيمه عمر و يا بيمه كالا و يا ساختمان يا بيمه كارمندى درست و صحيح مى باشد.

## سرقفلى

از جمله معاملات متعارف بين مردم سرقفلى است بدين صورت كه شخصى مبلغى پول به ديگرى مى دهد تا مغازه اى را كه در اختيار دارد به او تحويل دهد. در اين صورت اگر شخص ملكى را از مالك اجاره كرده و حق واگذارى به غير را نداشته و مبلغى هم بابت سرقفلى نپرداخته پس از اتمام مدت اجاره حق گرفتن پول براى تخليه محل را ندارد ولى اگر مبلغى را بعنوان سرقفلى پرداخته و اجازه واگذارى به غير را از مالك گرفته پس از مدتى كسب و ترقى محل مستاءجر مى تواند محل كسب را به ديگرى اجاره دهد و مبلغى هم بابت سرقفلى بگيرد.

اشياء پيدا شده

اشيايى كه در مسير انسان افتاده اگر بگذرد و به او دست نزند و بر ندارد وظيفه اى بعهده اش نيست ولى اگر بردارد احكامى دارد كه عبارتند از:

١ - اگر علامت و نشانه اى ندارد كه بتوان صاحبش را پيدا كرد مثلا داخل دستمال يا كيفى نيست مى تواند ازطرف صاحبش صدقه دهد.

۲ - اگر نشانه دارد و صاحبش معلوم است بايد به او بدهد و چنانچه صاحبش معلوم نيست و قيمتش كمتر از حدود ۱۳ نخود نقره است

۱ - بسيارى از مراجع قائل اند كه بايد از خوردن آن اجتناب كرد (مساءله ۹۹)

۲ - بـعـضـى از مـراجع اشكال كرده و احتياط وجوبى نموده اند و لذا مى گويند بايد شخص با آب سرد غسل كند تا عرق ننمايد

۳ - برخى از فقهاء، نماز جمعه را در زمان غيبت مستحب مى دانند.

۴ - بـنـظـر آقـايـان خـويـى و گـلپـايـگـانـى ، حتى استعمال همين آمپولها هم به هنگام حاجت اشكالى ندارد

۵ - كـافـر ذمـى غـيـر مـسلمانانى هستند كه زير سلطه حكومت اسلامى زندگى مى كنند و به حاكم اسلام ماليات مى پردازند تا جان و مالشان محفوظ بماند.

۶ - بـعـضـى از مـراجـع در هـديـه و پـولى كـه بـابـت عـيـدى گـرفـتـه شـده اگـر سـال بـر آنـهـا بـگـذرد خـمـس را لازم مـى دانـنـد(مـسـاءله ۱۷۵۳ تـوضـيـح المسائل )

۷ - بـه فـتـواى بـرخـى از مـراجـع معظم تقليد، ابتدا مخارج را كسر مى كند و بعد از كسر مخارج اگر به حد نصاب رسيد زكات واجب مى شود.

۸ - امروزه حدود ۷۵ تومان است .

فهرست مطالب

[سخنى با خواننده 2](#_Toc513716779)

[درس اول : شناخت احكام 3](#_Toc513716780)

[١ - اجتهاد: 5](#_Toc513716781)

[٢ - احتياط: 5](#_Toc513716782)

[٣ - تقليد: 6](#_Toc513716783)

[١ - تقليد كوركورانه : 6](#_Toc513716784)

[٢ - تقليد آگاهانه : 7](#_Toc513716785)

[شرايط مرجع تقليد: 8](#_Toc513716786)

[پاسخ به چند سؤ ال : 9](#_Toc513716787)

[به پرسشهاى زير پاسخ دهيد: 11](#_Toc513716788)

[درس دوم : طهارت 12](#_Toc513716789)

[.چگونگى وضو: 13](#_Toc513716790)

[مسائل مسح : 13](#_Toc513716791)

[شرط وضو: 14](#_Toc513716792)

[احكام و شرائط وضو: 14](#_Toc513716793)

[وضوى جبيره : 15](#_Toc513716794)

[شك در وضو: 16](#_Toc513716795)

[چيزهايى كه وضو را باطل مى كند: 16](#_Toc513716796)

[تيمم : 17](#_Toc513716797)

[به پرسشهاى زير پاسخ دهيد: 18](#_Toc513716798)

[درس سوم : غسل 19](#_Toc513716799)

[١ - غسل ترتيبى : 19](#_Toc513716800)

[٢ - غسل ارتماسى : 19](#_Toc513716801)

[غسلها 20](#_Toc513716802)

[الف - غسل جنابت 20](#_Toc513716803)

[به پرسشهاى زير پاسخ دهيد: 23](#_Toc513716804)

[درس چهارم : نجاسات 24](#_Toc513716805)

[احكام نجاسات 26](#_Toc513716806)

[خوردن و آشاميدن 27](#_Toc513716807)

[به پرسشهاى زير پاسخ دهيد: 28](#_Toc513716808)

[درس پنجم : مطهرات يا پاك كننده ها 29](#_Toc513716809)

[١ - آب : 29](#_Toc513716810)

[٢ - زمين : 31](#_Toc513716811)

[٣ - آفتاب : 31](#_Toc513716812)

[٤ - اسلام : 32](#_Toc513716813)

[٥ - استحاله : 33](#_Toc513716814)

[٦ - انتقال : 33](#_Toc513716815)

[٧ - تبعيت : 33](#_Toc513716816)

[٨ - بر طرف شدن عين نجاست : 34](#_Toc513716817)

[٩ - استبراء: 35](#_Toc513716818)

[١٠ - غائب شدن مسلمان : 35](#_Toc513716819)

[به پرسشهاى زير پاسخ دهيد: 35](#_Toc513716820)

[درس ششم : نماز 36](#_Toc513716821)

[نماز چيست ؟ 36](#_Toc513716822)

[چرا نماز بخوانيم ؟ 38](#_Toc513716823)

[اقسام نماز 39](#_Toc513716824)

[نمازهاى يوميه 39](#_Toc513716825)

[واجبات نماز 40](#_Toc513716826)

[اذان و اقامه 42](#_Toc513716827)

[آموزش نماز 43](#_Toc513716828)

[به پرسشهاى زير پاسخ دهيد: 45](#_Toc513716829)

[درس هفتم : شكيات نماز 46](#_Toc513716830)

[شكهاى باطل : 46](#_Toc513716831)

[شكهاى صحيح 47](#_Toc513716832)

[نماز احتياط 48](#_Toc513716833)

[سجده سهو 49](#_Toc513716834)

[به پرسشهاى زير پاسخ دهيد: 50](#_Toc513716835)

[درس هشتم : نماز آيات 51](#_Toc513716836)

[كيفيت نماز آيات : 51](#_Toc513716837)

[نماز ميت 52](#_Toc513716838)

[نماز طواف كعبه 53](#_Toc513716839)

[نماز قضاء 53](#_Toc513716840)

[نماز مسافر 54](#_Toc513716841)

[نماز جماعت 54](#_Toc513716842)

[نماز جمعه 55](#_Toc513716843)

[اقسام روزه : 55](#_Toc513716844)

[نيت : 56](#_Toc513716845)

[مبطلات روزه : 57](#_Toc513716846)

[چيزهايى كه خمس ندارد: 58](#_Toc513716847)

[به پرسشهاى زير پاسخ دهيد: 59](#_Toc513716848)

[درس نهم : حج و امر به معروف و نهى از منكر 60](#_Toc513716849)

[احكام حج : 61](#_Toc513716850)

[امر به معروف و نهى از منكر 62](#_Toc513716851)

[شرايط امر به معروف و نهى از منكر: 63](#_Toc513716852)

[مراحل امر به معروف و نهى از منكر: 64](#_Toc513716853)

[به پرسشهاى زير پاسخ دهيد: 65](#_Toc513716854)

[درس دهم : جهاد و دفاع در اسلام 66](#_Toc513716855)

[دفاع 67](#_Toc513716856)

[به پرسشها پاسخ دهيد: 68](#_Toc513716857)

[درس یازدهم : خريد و فروش 69](#_Toc513716858)

[١ - معامله واجب : 69](#_Toc513716859)

[٢ - معامله حرام : 69](#_Toc513716860)

[٣ - معاملات مستحب : 70](#_Toc513716861)

[٤ - معاملات مكروه : 70](#_Toc513716862)

[٥ - معاملات مباح : 71](#_Toc513716863)

[ربا در معامله : 71](#_Toc513716864)

[شرايط خريدار و فروشنده : 71](#_Toc513716865)

[مواردى كه مى توان معامله را به هم زد: 72](#_Toc513716866)

[به پرسشهاى زير پاسخ دهيد: 73](#_Toc513716867)

[درس دوازدهم : اجاره 74](#_Toc513716868)

[سرقفلى 75](#_Toc513716869)

[قرض 76](#_Toc513716870)

[امانتدارى 77](#_Toc513716871)

[حكم امانتدارى 77](#_Toc513716872)

[به پرسشهاى زير پاسخ دهيد: 77](#_Toc513716873)

[درس سیزدهم: ازدواج 78](#_Toc513716874)

[محرم و نامحرم : 80](#_Toc513716875)

[اين افراد بر دختران و زنان محرمند: 81](#_Toc513716876)

[همسران شايسته : 82](#_Toc513716877)

[عقد ازدواج : 83](#_Toc513716878)

[به پرسشهاى زير پاسخ دهيد: 84](#_Toc513716879)

[درس چهاردهم : غصب - نذر- عهد- سوگند- وصيت و ارث 85](#_Toc513716880)

[نذر وعهد وقسم خوردن 86](#_Toc513716881)

[وصيت 87](#_Toc513716882)

[ارث 88](#_Toc513716883)

[به پرسشهاى زير پاسخ دهيد: 90](#_Toc513716884)

[درس پانزدهم : معاملات بانكى 91](#_Toc513716885)

[بليط بخت آزمايى 92](#_Toc513716886)

[بيمه 93](#_Toc513716887)

[سرقفلى 94](#_Toc513716888)

[فهرست مطالب 96](#_Toc513716889)